

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهایی از اقتصاد نفتی

با رویکرد اقتصاد مقاومتی

دکتر محسن فرازی

مدرس دانشگاه

انتشارات سخن گو

مشهد - خیابان مطهری شمالی ۱۹ - ساختمان ۱۶۳

تلفن: ۰۹۱۵۵۲۴۶۸۱۴ - ۳۷۱۳۳۹۲۰

نام کتاب: رهایی از اقتصاد نفتی با رویکرد اقتصاد مقاومتی

نویسنده: محسن فرازی

صفحه آرایی و طراحی جلد: محمدصادق زارعی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول زمستان/۱۳۹۶

چاپ: ولیعصر

تعداد صفحه: ۱۰۰ ص (وزیری)

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۱۱-۴-۳

تقدیم بہ

خدایی کہ آفرید جهان را، انسان را، علم را، معرفت را، عشق را

و کسانی کہ عشقشان را در وجودم دید

آنان کہ وجودم جز بیدیه وجودشان نیست

و

کو دکان آسمانی موسسه گلستان حضرت علی (ع)

پیشگفتار

اقتصاد مقاومتی از موارد مورد تاکید مقام معظم رهبری در طول سالیان گذشته و امروز می باشد. ایشان شعار اقتصاد مقاومتی نه در عرصه شعار و حرف بلکه در عصر اقدام و عمل انتخاب فرمودند. اگر اقتصاد را تراز زمان عرضه و تقاضا بدانیم، اقتصاد و شاخه اقتصاد مقاومتی در حوزه های مختلف معنی و مفهوم ویژه خود را خواهد داشت. تاکیدات مقام معظم رهبری این دغدغه را در من ایجاد کرده است که همواره به فکر ترجمه فرمایش ایشان در حوزه کاری خود به عنوان یک مدرس دانشگاه باشم. این دغدغه و انگیزه زمانی تشدید می شود که شعار همیشگی دانشگاه های کشور های پیشرفته دنیا به زبان انگلیسی،

Life sustainable a toward می باشد. اگر از ترجمه تحت اللفظی بگذریم در عمل یعنی هدف آنها پیاده سازی الگوی اقتصاد مقاومتی و عامل رشد و توسعه فوق العاده خود را در این شعار می دانند. این مسأله اینجانب را بر آن داشت که به مطالعه دقیق سیستم دانشگاهی این کشور بپردازم و بررسی نمایم که الگوی اقتصاد مقاومتی در کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن، چین، روسیه به چه صورت پیاده می شود. بررسی ها نشان می دهد که در آنها چه به لحاظ ترکیب ملیتی و چه جنسیتی و چه به لحاظ دکترین و قواعد و اصول کلی نکات قابل توجهی وجود دارد. در اینجا بایستی قویاً تاکید شود که از علت اصلی کم فروغ و کم اثر بودن سیستم دانشگاه در کشور عزیزم ایران تقلید صرف از سیستم های دانشگاهی غربی

رهایی از اقتصاد نفتی/۷

است ، علی‌رغم وجود سابقه کهن آموزشی. به عبارت دقیقتر و تمثیلی درک و شعور ما داروی مؤثری از غرب وارد شده و استعمال می شود اما توجه نداریم که این دارو اساساً برای چه مرضی بوده است و آیا بیماری در کشور ما همان است یا خیر. هر چند بایستی از الگوها و اصول قواعد استفاده کرد ، اما باید الگوی بومی متناسب با نیازهای کشور تدوین نمود. واضح است که در کشورهای صنعتی رشته های دانشگاهی متناسب با نیاز روز همان کشورها تدوین شده اند اما واضح تر آنکه نیاز کشورهای صنعتی غربی با نیاز کشور ما یکسان نیست .

۸ / رهایی از اقتصاد نفتی

پیشگفتار..... ۶

فصل اول

علم اقتصاد..... ۱۱

تاریخچه نام..... ۱۲

تعریف علم اقتصاد..... ۱۳

تعریف اقتصاد چیست؟..... ۱۳

تعاریف اقتصاد..... ۱۷

مروری مختصر بر تعاریف علم اقتصاد..... ۱۹

اقتصاد خرد..... ۲۵

اقتصاد کلان..... ۲۹

زیر شاخه‌های علم اقتصاد..... ۳۱

اقتصاد سیاسی..... ۳۲

اقتصاد سنجی..... ۳۲

اقتصاد ملی..... ۳۶

اقتصاد انرژی..... ۳۷

اقتصاد کشاورزی..... ۳۸

اقتصاد ورزشی..... ۳۹

اقتصاد حمل و نقل..... ۴۰

اقتصاد بهداشت..... ۴۱

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۹

- ۴۲..... اقتصاد محیط زیست
- فصل دوم
- ۴۵..... اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته
- ۴۶..... تاریخچه اقتصاد مقاومتی در دنیا
- ۴۷..... تعریف اقتصاد مقاومتی
- ۴۸..... مفهوم اقتصاد مقاومتی
- ۴۹..... تعریف ریاضت اقتصادی
- ۵۰..... اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته
- ۵۴..... اقتصاد مقاومتی در آمریکا
- ۵۶..... اقتصاد مقاومتی در ژاپن
- ۶۰..... اقتصاد مقاومتی در آلمان
- ۶۴..... اقتصاد مقاومتی در چین
- ۶۶..... تکیه بر سرمایه‌های داخلی به جای سرمایه خارجی
- ۶۸..... اقتصاد مقاومتی در روسیه
- ۷۰..... آغاز گفتمان اقتصاد مقاومتی در ایران
- ۷۱..... برگزاری اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در کشور
- ۷۲..... بازتاب همایش در رسانه‌های داخلی و خارجی
- ۷۳..... جریان سازی گفتمان اقتصاد مقاومتی در سطح کشور
- ۷۶..... ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی

۱۰/ رهایی از اقتصاد نفتی

فصل سوم

- سخنان مقام معظم رهبری در راستای اقتصاد مقاومتی ۷۹
- نامگذاری سال ۱۳۹۵ به نام اقدام و عمل ۸۰
- سیاستهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای ۸۰
- جایگاه سیاستهای کلی اقتصاد از دیدگاه دیدگاه مقام معظم رهبری ۸۲
- رویکرد جهادی رهایی از درآمد نفت از دیدگاه مقام معظم رهبری ۸۴
- تاکید مقام معظم رهبری به سران سه قوه جهت هماهنگی دستگاهها ۸۸
- تاثیر بخش خصوصی در پیاده سازی اقتصاد مقاومتی ۹۲
- نقش کارآفرینی در اقتصاد از دیدگاه مقام معظم رهبری ۹۶
- منابع و ماخذ: ۹۹

فصل اول

علم اقتصاد



۱۲/ رهایی از اقتصاد نفتی

علم اقتصاد شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد. کانون توجه دانش اقتصاد بر این است که عوامل اقتصادی چگونه رفتار و تعامل می‌کنند و اقتصادهای مختلف چگونه کار می‌کنند. در این راستا، یک تقسیم‌بندی اولیه کتابهای پایه‌ای اقتصاد، اقتصاد خرد در برابر اقتصاد کلان است. اقتصاد خرد، رفتار عوامل پایه‌ای اقتصاد، شامل عوامل فردی مانند خانوارها و شرکتها یا خریداران و فروشندگان را بررسی می‌کند. در مقابل اقتصاد کلان، کلیت اقتصاد و عوامل مؤثر بر آن شامل بیکاری، تورم، رشد اقتصادی و سیاست پولی و مالی را تحلیل می‌کند.

تاریخچه نام

اقتصاد سیاسی نام سنتی این رشته است که آنتوان دو مون کر تین نخست بار آن را عنوان کتاب خود ساخت. این سنت تا قرن نوزدهم ادامه یافت، چنان‌که جان استوارت میل کتابش را تحت عنوان «مبانی اقتصاد سیاسی» و دیوید ریکاردو تحت عنوان «اصول اقتصاد سیاسی و مالیت ستانی» نوشت. حتی مارکس که موضعی تهاجمی نسبت به دانش اقتصاد داشت کتابش را «نقد اقتصاد سیاسی» نام نهاد.

اما اقتصاددانان در اواخر قرن نوزدهم واژه «اقتصاد» (economics) را بعنوان فرم کوتاهتر «علوم اقتصادی» (economic science) پیشنهاد کردند تا از

رهایی از اقتصاد نفتی/۱۳

دلالت ضمنی این واژه بر منافع سیاسی محدود جلوگیری کرده باشند و همچنین به این واژه صورتی مشابه واژگان دیگر علوم مانند «ریاضیات» (mathematics) «اخلاق» (ethics) و مانند آنها ببخشند.

تعریف علم اقتصاد

از علم اقتصاد تعاریف زیادی عنوان شده است اما ساده ترین و جامع ترین تعریف از علم اقتصاد عبارتست از علم تخصیص بهینه منابع کمیاب است. کمیابی مهمترین موضوع علم اقتصاد است. کمیابی به این مفهوم است که امکانات محدود است ولی خواسته های بشری نامحدود می باشند. به عنوان مثال درآمد محدود است ولی کالاها و خدمات زیادی را می خواهیم خریداری کنیم و یا بودجه کشور محدود است ولی نیازها و خواسته های زیادی است که در جامعه وجود دارد.

تعریف اقتصاد چیست؟

اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی مشخص گفته می شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می باشد. آسمونی در این مقاله اطلاعات کاملی در مورد علم اقتصاد برای شما عزیزان تهیه کرده است که در ادامه می خوانید. اقتصاد علمی اجتماعی است که بررسی می کند اشخاص، دولت ها، شرکت ها و کشورها چگونه برای تخصیص منابع کم خود جهت ارضای خواسته های نامحدودشان، دست به انتخاب می زنند. اقتصاد

۱۴/ رهایی از اقتصاد نفتی

می‌تواند به اقتصاد کلان که بر رفتار کل اقتصاد تمرکز می‌کند و اقتصاد خرد که بر مصرف‌کننده‌های انفرادی تمرکز دارد، تقسیم گردد.

دیگر تقسیم‌بندی‌های رایج علم اقتصاد، این رشته را به اقتصاد اثباتی (positive economics) تعریف کننده "آنچه هست" در برابر اقتصاد هنجاری (normative economics) دفاع از "آنچه که باید باشد" اقتصاد نظری در مقابل اقتصاد کاربردی؛ اقتصاد عقلانی در برابر رفتاری؛ و (اقتصاد جریان اصلی یا متداول mainstream economics اقتصاد ارتدوکس که بیشتر با پیوند میان عقلانیت، فردگرایی و تعادل سروکار دارد و اقتصاد دیگراندیش (heterodox economics) که رادیکال است و با پیوند میان نهادها، تاریخ و ساختار اجتماعی سروکار دارد.

تحلیل اقتصادی در تمامی ابعاد جامعه کاربرد دارد، از بازرگانی، دارایی، مراقبت بهداشتی گرفته تا موضوعات متنوعی از قبیل جرم و جنایت، آموزش و پرورش، خانواده، حقوق، سیاست، مذهب، نهادهای اجتماعی، جنگ، و علوم پایه. در ابتدای شروع قرن بیست و یکم، از گسترش دامنه اقتصاد در علوم اجتماعی دیگر بعنوان امپریالیسم اقتصاد تعبیر شده است. در یکی دو دهه اخیر برخی از اقتصاددانان برای تأکید بیشتر بر پایدار نگاه داشتن محیط زیست شاخه اقتصاد محیط زیست تأسیس کرده‌اند و نیز مطالعاتی را در زمینه اقتصاد بوم‌شناختی Ecological economics صورت داده‌اند.

رهایی از اقتصاد نفتی/۱۵

توضیحات مدیر مالی در مورد اقتصاد دو تا از روش‌های اصلی در اقتصاد به عنوان اقتصاد کینزی و اقتصاد کلاسیک شناخته می‌شوند.

اقتصاددانان کلاسیک عقیده دارند که بازارها بسیار خوب عمل می‌کنند، به سرعت به هر تغییری واکنش نشان خواهند داد تا به تعادل برسند و این که سیاست عدم‌مداخله دولت بهترین سیاست است. از طرف دیگر، اقتصاددانان کینزی باور دارند که بازارها نسبت به تغییرات در قیمت‌ها به آهستگی واکنش نشان می‌دهند و مداخله فعالانه دولت بعضی اوقات بهترین راه برای بازگشت اقتصاد به توازن است.

معادل انگلیسی اقتصاد عبارت است از

Economic

مترداف:

Economics

اصولاً منابع را در اقتصاد به منابع اقتصادی و غیر اقتصادی تقسیم بندی می‌کنند منابع اقتصادی: به منابعی اطلاق می‌شود که کمیاب باشند. نشانه کمیابی قیمت است، هر کالا یا منبعی قیمت داشت به معنی این است که آن کالا یا آن منبع کمیاب است. منابع غیر اقتصادی: این منابع که در علم اقتصاد مورد بحث قرار نمی‌گیرند منبعی هستند که فراوان می‌باشند. نشانه فراوانی آنها رایگان

۱۶/ رهایی از اقتصاد نفتی

بودن آن است . بعنوان مثال نور و هوا هرچند برای ادامه حیات زندگی انسان و تولید کالاها بسیار مهم هستند ولی بدلیل فراوان بودن آنها در علم اقتصاد مورد بحث قرار نمی گیرند . نور و هوا از مباحث علم فیزیک هستند . پس هر چه کمیاب باشد مورد بررسیهای اقتصادی قرار می گیرد . هر کالا یا منبعی که کمیاب باشد باید آن را به نحو صحیح تخصیص داد به عبارت دیگر تخصیص از کمیابی نشأت می گیرد یعنی اگر کالا یا خدمتی فراوان باشد ضرورتی به تخصیص آن نیست ، مثلا بودجه کور و یابودجه فرد یا وقت یک فرد محدود است بنابراین باید فکر کرد که چگونه بودجه یا وقت را به نحو صحیح تخصیص دهیم .

هر گاه بخواهیم منبع یا کالایی را تخصیص دهیم در مبحث علم اقتصاد این طور عنوان می شود که تخصیص باید بهینه باشد منظور از تخصیص بهینه در علم اقتصاد تخصیصی است که ما را به هدف یا اهدافمان نزدیکتر می کند یا در تحقق اهداف ما نقش و تاثیر بیشتری داشته باشد . بنابر این بهینه بودن تخصیص به اهداف هر فرد بستگی دارد .

تمام هدف علم اقتصاد همانند بقیه علوم این است که افراد در جهت استفاده بهینه از امکانات خود چگونه بهره برداری نمایند بر خلاف تصور عام تمام هدف علم اقتصاد سود آوری نیست بلکه هر فرد یا جامعه یا بنگاه که اهداف خود را تعیین می نماید برای بهتر رسیدن به اهداف خود از علم اقتصاد کمک می گیرد . پس محور مرکزی بحث های مباحث اقتصادی کارائی است .

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۱۷

تعاریف اقتصاد

تعاریف متفاوتی برای علم اقتصاد وجود دارد. برخی از تفاوتها بازتاب دهنده تکامل دیدگاه‌ها درباره موضوع اقتصاد یا دیدگاه‌های مختلف در میان اقتصاددانان است. آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ چیزی که در آن روزگار اقتصاد سیاسی خوانده می‌شد را این‌گونه تعریف کرده‌است:

شاخه‌ای از دانش یک دولتمرد یا قانونگذار [با اهداف دوگانه فراهم کردن] درآمد سرشار و معاش خوب برای مردم ... [و] تأمین کردن درآمد برای دولت برای هزینه کردن در خدمات عمومی

ژان باپتیست سه در سال ۱۸۰۳ هم‌زمان با جدا کردن علم اقتصاد از کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی (به انگلیسی آن را به عنوان علم تولید، توزیع و مصرف ثروت تعریف می‌کند. توماس کارلایل تاریخ‌دان انگلیسی اصطلاح «دانش کسل‌کننده» را به عنوان صفتی طعنه آمیز برای اقتصاد کلاسیک وضع کرد، که در این زمینه بیشتر به تحلیل بدبینانه مالتوس ارتباط پیدا می‌کرد. جان استیوارت میل اقتصاد را در بستری اجتماعی بصورت ذیل تعریف می‌کند:

علمی که قوانین پدیده‌هایی در جامعه را دنبال می‌کند که از کارهای مختلف نوع بشر برای تولید ثروت برمی‌خیزد، تا جائی که این پدیده‌ها بوسیله تعقیب هدف دیگری متعین نشوند. اقتصاد، مطالعه انسان است در کسب و کار معمولی‌اش در

۱۸/ رهایی از اقتصاد نفتی

زندگی. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند؛ بنابراین، از یک جنبه مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان است.

بطور کلی پی بردن به تعریف، ماهیت و هدف هر علمی توسط دانشجو، کنجکاوی طبیعی او را نشان می‌دهد. دانشجوی رشته اقتصاد و شاخه‌های وابسته نیز بطور طبیعی می‌خواهد بداند که اقتصاد چیست؟ تلاش زیادی از جانب اقتصاددانان برای پاسخ به این سؤال و سؤالات مربوط به آن صورت گرفته، ولی تاکنون هیچ کدام از تعاریف اقتصادی، تعاریف قابل قبول و جامعی نبودند. در حال تکامل بودن این علم تقریباً نوپا، دلیل اصلی در عدم امکان دستیابی به تعریفی جامع از علم اقتصاد است. همان طور که یکی از اقتصاددانان مشهور جهان به نام «جان استوارت میل» در قریب به یک قرن پیش گفته است: «تعریف یک علم، بطور اجتناب ناپذیر بعد از طرح موضوعات آن و در زمانی دورتر، امکان پذیر است». علم اقتصاد هنوز به عنوان یک علم کامل و تکامل یافته مورد شناسایی قرار نگرفته است. لذا این نظر که «اقتصاد یک علم تکامل نیافته ولی بی پایان است» معتبر می‌باشد. بنابراین اگر علم اقتصاد در حال حاضر نتواند بطور جامع تعریف شود، شگفت آور نخواهد بود. در هر صورت اقتصاددانان در مقاطع مختلف زمانی، هر کدام به نوعی علم اقتصاد را تعریف و هدف و موضوع اصلی آنرا در مراحل رشد این علم به عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی مشخص کرده‌اند.

رهایی از اقتصاد نفتی/۱۹

مروری مختصر بر تعاریف علم اقتصاد

۱- تعاریف اولیه، ۲- تعاریف کلاسیک ها ۳- تعاریف نئوکلاسیک ها، ۴- تعاریف مدرن. اکنون بطور مختصر، نظری به این گروه از تعاریف خواهیم انداخت.

۱- تعاریف اولیه: علم اقتصاد تا اواسط قرن هجدهم در مرحله ی ابتدایی بود. در آن زمان، علم اقتصاد ترکیبی از مباحث سیاسی، اخلاقی، فلسفه و منطق به شمار می رفت. فلاسفه یونان باستان یعنی افلاطون و ارسطو اعتقاد داشتند که علم اقتصاد به عنوان هنر مدیریت خانواده است. ثروت در سال های بعدی نقش و جایگاه ویژه ای در زندگی ملت ها باز می کرد. ذخایر فلزات گرانبها در اواسط این دوره، کالایی به شمار می رفت که برای زمامداران و بازرگانان از اهمیت خاصی برخوردار بود. تصور می شد فلزات گرانبها از قبیل طلا و نقره، بهترین نشانه موفقیت و رفاه اشخاص و همچنین کشورها است.

از این رو اندیشمندان اقتصادی آن زمان به موضوعی که به مالکیت و مدیریت ثروت ملل مربوط می شد علاقمند شدند. در طول دوره مرکانتی لیست ها (۱) تا نیمه دوم قرن هجدهم، علم اقتصاد تا جایگاه «اقتصاد سیاسی» پیشرفته و هدف آن اداره ثروت ملل و کشورها به شمار می رفت.

۲۰/ رهایی از اقتصاد نفتی

۲- تعاریف کلاسیک ها : تلاش برای جدا کردن موضوعات علم اقتصاد به عنوان یک شاخه مستقل از علوم اجتماعی با کتاب معروف آدام اسمیت به نام «تحقیقی در ماهیت و علل ثروت ملل» در سال ۱۷۷۶ آغاز گردید. اسمیت که پدر علم اقتصاد لقب گرفته، موضوع علم اقتصاد را تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل تعریف می کند. او همزمان اقتصاد را «علم ثروت» می نامد. اکثر اقتصاد دانان دوره کلاسیک (نیمه دوم قرن هجدهم) طرفدار تعریف ارایه شده توسط اسمیت بودند. آنها هدف علم اقتصاد را در دستیابی به ثروت مادی و افزایش رفاه ملت ها محدود کردند. ولی باید گفت که در آن زمان نیز تأکید بر ثروت مادی و رفاه ملت ها به عنوان موضوع اصلی علم اقتصاد، مورد انتقاد شدید اندیشمندان سایر بخش های جامعه قرار گرفت. برخی اقتصاد را علم پریشان کننده، علم بدلی و علم نان و کره تعریف کردند. به هر صورت تعریف اسمیت از علم اقتصاد تا اواخر قرن نوزدهم زمانی که آلفرد مارشال، تلاش مجددی را برای ارایه تعریف جامعی از علم اقتصاد آغاز کرد، به وقت خود باقی بوده و اعتبار داشت.

رهایی از اقتصاد نفتی/۲۱

۳- تعاریف نئوکلاسیک‌ها: آلفرد مارشال اقتصاددان و معمار مکتب نئوکلاسیک، علم اقتصاد را به طرف مطالعه رفتار انسان سوق داده و سعی نمود از این بُعد، تعریف جامع تری از علم اقتصاد، ارایه دهد. به نظر «مارشال» اقتصاد سیاسی یا علم اقتصاد، مطالعه رفتار انسان در کار و کسب معمولی زندگی است. به اعتقاد او، اقتصاد، آن قسمت از فعالیت های اشخاص و اجتماع را در بر می گیرد که به اکتساب ثروت و چگونگی بر آوردن نیازهای مادی مربوط می شود. بطور کلی می توان گفت که به نظر او، اقتصاد از یک طرف، مطالعه ثروت است و از طرف دیگر بخشی از مطالعه فعالیت های اقتصادی انسان بشمار می رود. ملاحظه می شود که مارشال، هدف و موضوع علم اقتصاد را گسترش داده و آنرا شامل مطالعه فعالیت انسان در جهت تأمین رفاه مادی تلقی می کند. طرفداران «مارشال» و دیگر اقتصاد دانان نئوکلاسیک سنتی، اقتصاد را با مفهوم مشابهی تعریف کرده اند.

تعریف جدید

در تعاریف جدید علم اقتصاد، موارد زیر در نظر گرفته می شود

۱-۴ انسان از بُعد فردی و اجتماعی دارای نیازهای متعددی است که باید برآورده شود (از قبیل نیاز به غذا، مسکن و غیره). بعلاوه نیازهای انسان بخصوص نیازهایی که در رابطه با کل اجتماع بوجود می آیند کاملاً نامحدود هستند. به عنوان مثال دفاع ملی که یک کالای عمومی (۲) بوده و نیاز اجتماع را بر آورده می کند کالایی

۲۲ / رهایی از اقتصاد نفتی

نامحدود است. ما هر چند دفاع ملی را با کیفیت و کمیت بهتر و بیشتری بتوانیم تحقق بخشیده و تأمین کنیم، باز هم جای تکمیل آن وجود دارد.

۲-۴ کالاهایی که برای برآوردن نیازهای انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند (از قبیل غذا، مسکن، اتومبیل و غیره) از طریق عواملی تولید می‌شوند که خود آن عوامل در طبیعت به مقدار و تعداد محدود یافت می‌شوند. عوامل تولید در طبیعت را معمولاً به سه گروه کلی نیروی کار، زمین و سرمایه تقسیم می‌کنند. البته در تقسیم بندی‌های جدید عامل چهارمی را نیز به نام مدیریت به عوامل سه گانه فوق افزوده‌اند.

۳-۴ حال بشر برای آشتی دادن بین نیازهای نامحدود خود و عوامل تولید محدود، احتیاج به موازین و معیارهای خاصی دارد. این موازین و معیارها چیزی جز علم اقتصاد نیست. براین اساس «علم اقتصاد، علمی است که رفتار بشر را به عنوان رابط بین نیازهای نامحدود و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده متعددی نیز دارند، مطالعه می‌کند». علم اقتصاد در این تعریف به تخصیص منابع کمیاب بین استفاده‌های مختلف آنها مربوط می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود چیزی که تعریف جدید علم اقتصاد را تعاریف قدیم و سنتی تفکیک می‌کند، موضوع کمیابی است. چون عوامل تولید (کار، سرمایه و زمین) در طبیعت کمیاب هستند، لذا انسان ناچار به اقتصادی رفتار کردن است.

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۲۳

بدین ترتیب است که پیروی از اصول و موازین علم اقتصاد برای بشر اجتناب ناپذیر خواهد شد. انسان باید در زندگی فردی و اجتماعی، برای برآوردن نیازهای خود، آنها را الویت بندی کرده و هر کدام که فوری ترند مقدم بر سایر نیازها بر آورده سازد. بدین ترتیب علم اقتصاد، علم انتخاب نامیده شده است. یعنی انتخاب بین نیازها و برآوردن آنها از طریق کالاها و با توجه به یک برنامه ی زمان بندی شده. بدین ترتیب ملاحظه می شود که قلمرو و ماهیت علم اقتصاد گسترش یافته و تکامل پیدا کرده است. ولی با این حال چون در حال حاضر هنوز قادر به حل مشکلات اقتصادی کشورهای مختلف جهان نیست، کما کان «علمی در حال تکامل» تلقی می شود. به هر حال در این مؤخره کوتاه سعی شده برخی گروه بندی های مربوط به تعاریف علم اقتصاد ارایه شده تا دانشجو و خواننده گرامی با مباحثی که در این زمینه وجود دارد، آشنا شود.

قدر مسلم اینکه استفاده از معیارها، موازین، قواعد و قانون های طبیعی اقتصادی، این امکان را برای جوامع بوجود می آورد که از نعماتی که خداوند به رایگان در اختیار بشر گذاشته است، بطور مطلوب استفاده نماید. لذا آگاهی از این علم و مباحث آن و همچنین بکار بستن موازین و معیارهای مربوط به آن در زندگی روزمره و همچنین در برنامه ریزی های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت اقتصادی در کشورهای مختلف و به همین ترتیب در سطح بین المللی جهت دست یابی به رفاه و پیشرفت اقتصادی، اجتناب ناپذیر است. باید در هر کشور برای گروه

۲۴ / رهایی از اقتصاد نفتی

اقتصاددانان، این امکان بوجود آید تا از طریق علمی، بیماری های «اقتصاد کشور»، (از قبیل تورم، بیکاری، رکود و...) را با توسل به ابزارهای علم اقتصاد مورد شناسایی قرار داده و راهکارهای لازم را به سیاستمداران ارایه تا با اجرای آنها، شاهد اقتصادی شکوفا، جوامعی سالم و به دور از فساد و ناهنجاری های اجتماعی باشیم. ظاهراً در حال حاضر نمی توان به علم اقتصاد، «علم پریشان کننده» و یا «علم بدلی» اطلاق کرد. درست است که اغلب وقتی از نظریه های اقتصادی نام می بریم، نام یک یا چند اقتصاددان خارجی نیز به ذهن متبادر می شود، ولی این نظریه ها، خاص کشورهایی که در آنها مطرح شده نیستند. امروزه، نظریه های اقتصادی در همه کشورها اعم از شرق و غرب، شمال و جنوب، فقیر و غنی بطور جدی مطرح و اقتصاددانان بومی هر کشور می کوشند با استفاده از ابزارهای موجود در قالب سنن و فرهنگ داخلی، حداکثر استفاده را در هدایت فعالیت های داخلی اقتصادی بدست آورند.

اقتصاد خرد

بازارها : اقتصاددانان به مطالعه بازرگانی، تولید و تصمیمات مصرفی می‌پردازند، مانند چیزی که در یک بازار سنتی رخ می‌دهد.

در یک بازار مجازی، فروشنده و خریدار حضور ندارند بلکه بوسیله واسطه‌ها و اطلاعات الکترونیکی تجارت می‌کنند. اقتصاد خرد با مفاهیمی نظیر رفتار مشتری، مشوق‌ها، قیمت‌گذاری، بودجه احتیاطی و غیره مرتبط است.

اقتصاد خرد شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به تحلیل بازیگران منفرد در یک بازار و نیز تحلیل ساختار بازار می‌پردازد. این شاخه با بازیگران خصوصی، عمومی و داخلی، به عنوان واحد پایه‌ای تقلیل ناپذیر، سروکار دارد. اقتصاد خرد به مطالعه این می‌پردازد که چگونه این بازیگران درون بازارهای منفرد (با فرض کمیابی واحدهای مبادله پذیر) و مقررات دولتی به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. بازار ممکن است با یک محصول (مانند سیب، آلومینیوم یا تلفن موبایل) سروکار داشته باشد یا با خدمات مربوط به یکی از عوامل تولید (آجرچینی، چاپ کتاب یا بسته‌بندی مواد غذایی). نظریه اقتصاد خرد، کل مقداری که توسط خریداران تقاضا شده و مقداری که توسط فروشندگان عرضه شده را در نظر می‌گیرد و به مطالعه قیمت‌های ممکن به ازای هر واحد عرضه و تقاضا می‌پردازد. اقتصاد خرد، تعامل پیچیده میان بازیگران بازار را هم در روند خرید و هم در روند فروش مطالعه می‌کند. این تئوری

۲۶ / رهایی از اقتصاد نفتی

بر این باور است که بازارها می‌توانند به تعادل: میان «کمیت تقاضا شده» و «کمیت عرضه شده» برسند.

اقتصاد خرد همچنین به بررسی ساختارهای مختلف بازار می‌پردازد. رقابت کامل perfect competition ساختار بازاری را توصیف می‌کند که در آن هیچ شرکت‌کننده‌ای آن قدر بزرگ نیست که قادر به بدست آوردن قدرت بازاری برای تعیین قیمت یک محصول یکسان باشد. شیوه دیگر توضیح این امر این است که بگوییم یک بازار رقابتی کامل هنگامی بوجود می‌آید که در آن تمامی شرکت‌کنندگان «گیرندگان قیمت» هستند و هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان نتواند بر قیمت محصولی که می‌خرد یا می‌فروشد تأثیر بگذارد. «رقابت ناکامل» به ساختار بازاری دلالت می‌کند که در آن شرایط رقابت کامل وجود نداشته باشد. اشکال رقابت ناکامل شامل: انحصار که در آن برای یک کالا تنها یک فروشنده وجود دارد، انحصار چندگانه که در آن برای یک کالا تنها چند فروشنده بخصوص وجود دارند، رقابت انحصاری که در آن فروشندگان زیادی وجود دارند که کالاهای کاملاً مختلفی تولید می‌کنند، انحصار خریدار به که در آن برای یک کالا تنها یک خریدار وجود دارد، و انحصار چندگانه خریدار به که در آن برای یک کالا تنها چند خریدار بخصوص وجود دارند. برخلاف رقابت کامل، رقابت ناکامل به‌طور کلی بدین معنا است که قدرت در بازار بطور نامتساوی تقسیم شده‌است. شرکت‌ها در وضعیت رقابت ناکامل این قابلیت را دارند که «قیمت‌گذار» باشند که بدین معنی

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۲۷

است که آن‌ها با در اختیار گرفتن بهره بزرگی از قدرت بازار بصورت نامتناسب قادر شده‌اند که بر قیمت کالاهایی که تولید کرده‌اند تأثیر بگذارند.

اقتصاد خرد، بازارهای منفرد را با یک ساده‌سازی اقتصادی مطالعه می‌کند به این معنا که تصور می‌کند که فعالیت اقتصادی انجام شده در یک بازار بخصوص بر دیگر بازارها تأثیر نمی‌گذارد. این متد تحلیلی، تعادل جزئی بین عرضه و تقاضا نام دارد. این متد تحلیلی مجموع کل فعالیت‌های انجام شده در یک بازار را محاسبه می‌کند. تئوری تعادل عمومی به مطالعه بازارهای مختلف و رفتار آن‌ها می‌پردازد. این تئوری، مجموع کل تمامی فعالیت‌های انجام گرفته در تمامی بازارها را محاسبه می‌کند. این متد هم به مطالعه تغییرات در بازارها و هم به مطالعه تعامل میان آن‌ها که رو به سوی تعادل دارد می‌پردازد.

تولید، هزینه و بهره‌وری : در اقتصاد خرد، تولید تبدیل نهاده‌ها به ستاده‌ها به است. این امر فرایندی اقتصادی است که در آن نهاده‌ها برای ساختن یک کالا برای مبادله یا استفاده مستقیم بکار برده می‌شوند. تولید یک جریان است و بنابراین میزان مشخصی از ستاده‌ها به ازای هر دوره‌ای از زمان در مقابل نهاده‌ها به دست می‌آید. هزینه فرصت به هزینه اقتصادی تولید ارجاع دارد: ارزش بهترین فرصت بعدی از دست رفته. انتخاب‌ها معمولاً باید بین اعمالی مورد علاقه و نیز مانع‌الجمع (به این معنا که انتخاب یکی به معنای طرد دیگری است) انجام می‌شوند. این مسئله، رابطه پایه‌ای میان کمیابی و انتخاب را نشان می‌دهد. هزینه

۲۸ / رهایی از اقتصاد نفتی

فرصت یک عمل، عنصری است برای مطمئن شدن از اینکه منابع کمیاب بصورتی کارا مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، بطوری‌که هزینه آن عمل در برابر ارزش اش سنجیده می‌شود. هزینه فرصت تنها به هزینه‌های پولی یا مالی مربوط نیست بلکه می‌توانند بوسیله ارزش واقعی تولید از دست رفته، اوقات فراغت، یا هر چیز دیگری که بهره‌ای جایگزین فراهم کند سنجیده شود.

فقر و تبعیض به دلیل بررسی در سطح خانوار از مباحث اقتصاد خرد می‌باشد. نهادهایی که در فرایند تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل عوامل پایه‌ای تولید مانند خدمات کاری، سرمایه (کالاهای تولید شده قابل دوام مثل یک کارخانه که در تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند)، و زمین (شامل منابع طبیعی) می‌شوند. دیگر نهاده‌ها ممکن است شامل کالاهای واسطه‌ای هستند که در تولید کالاهای نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند فولاد در ساختن یک اتومبیل نو. بهره‌وری اقتصادی به توصیف‌کننده این امر است که چگونه یک سیستم ستاده دلخواه اش را با وجود مجموعه‌ای از نهاده‌های موجود و نیز تکنولوژی در دسترس ایجاد می‌کند. بهره‌وری هنگامی بهبود می‌یابد که ستاده بیشتری بدون تغییر نهاده‌ها ایجاد شود، بعبارت دیگر، میزان اتلاف کاهش داده شده باشد. یک استاندارد کلی عموماً پذیرفته شده بهره‌وری پارتو است که هنگامی بدست می‌آید که دیگر هیچ تغییری نتواند بدون بدتر کردن اوضاع کسی، اوضاع فرد دیگری را

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۲۹

بهبود بخشد. به دیگر سخن حد نهایی بهبود در سیستم حاصل شده باشد بطوری که نتوان بدون برهم زدن نظم قسمت دیگری از سیستم از آن فراتر رفت.

اقتصاد کلان

اقتصاد کلان به بررسی مسایل اقتصادی در سطح کلان ملی یک کشور می‌پردازد. حیطه بررسی اقتصاد جهانی را اقتصاد بین‌الملل به عهده دارد. مسایلی از قبیل ثبات اقتصادی، توازن تراز بازرگانی خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، مخارج و درآمدهای دولت، رکود اقتصادی، بحران اقتصادی، بیکاری، و اقتصاد توسعه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اقتصاد کلان با مقیاس بزرگ‌تری از اقتصاد سروکار دارد و مفاهیمی از جمله نرخ بهره، تولید ناخالص داخلی (GDP) و سایر موضوعاتی که ممکن است در ستون اقتصادی روزنامه‌ها ببینید مورد توجه اقتصاد کلان قرار می‌گیرد. اقتصاد خرد بیشتر به کار مدیران می‌آید، در حالی که اقتصاد کلان بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار دارد. فقر و تبعیض به دلیل بررسی در سطح خانوار از مباحث اقتصاد خرد می‌باشد. بر خلاف اقتصاد خرد رفتارهای فردی شکل دهنده اقتصاد کلان نیست هر چند که از جمع رفتارهای فردی شکل گرفته‌است. کینز پدر علم اقتصاد نوین نمونه بارزی را از آثار رفتار واحدی را در عرصه کلان و خرد ارایه داده‌است که به تناقض پس‌انداز مشهور است. اگر افراد به صورت انفرادی پس‌انداز

۳۰ / رهایی از اقتصاد نفتی

کنند در سالهای بعد دارای امکانات و قدرت مالی بیشتری خواهند بود و خواهند توانست که از سرمایه جمع شده خود استفاده کنند ولی اگر تمامی افراد جامعه همزمان پس‌انداز خود را افزایش دهند و بخش بیشتری از درآمد خود را پس‌انداز نمایند مصرف کل اقتصاد پایین می‌آید و این امر موجب کاهش تولید نیز خواهد شد که این امر به کاهش درآمد افراد در آینده منجر می‌شود. از اینرو افزایش پس‌انداز برای اشخاص مفید می‌تواند باشد ولی برای جامعه به صورت کلی تأثیرات متفاوتی نسبت به تأثیرات فردی آن دارد. نمونه دیگر: اگر شرکتی یک یا چند تن از پرسنل خود را با ماشین‌آلات جایگزین نماید بی شک سود خواهد کرد و به نفع آن شرکت خواهد بود ولی اگر تمامی شرکت‌ها به یکباره به این کار مبادرت ورزند بیکاری افزایش می‌یابد و موجب کاهش درآمد ملی و در نتیجه کاهش تقاضا برای تولیدات شرکت‌ها شده و سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. از اینرو تأثیرات سطح کلان می‌تواند با تأثیرات در سطح خرد متضاد باشد..

رہایی از اقتصاد نفتی/۳۱

زیر شاخه‌های علم اقتصاد

اقتصاد سیاسی ، اقتصاد بین الملل ، اقتصاد رفاه ، مالیه ، اقتصاد کشاورزی ،

اقتصاد صنعتی، اقتصاد عمومی ، اقتصاد منابع طبیعی ، اقتصاد محیط زیست،

اقتصاد سنجی، اقتصاد انرژی ، فلسفه اقتصادی ، اقتصاد توسعه ، اقتصاد شهری

اقتصاد منطقه‌ای، اقتصاد بخش عمومی ، اقتصاد مدیریت ، اقتصاد منابع پایان پذیر

اقتصاد منابع تجدید پذیر ، اقتصاد خرد ، اقتصاد کلان ، برنامه ریزی اقتصادی

اقتصاد ریاضی ، اقتصاد مهندسی ، اقتصاد نظری ، اقتصاد بازرگانی ،

اقتصاد حمل و نقل، تاریخ عقاید اقتصادی ، نظامهای اقتصادی ، فلسفه اقتصاد ،

اقتصاد آموزش و پرورش ، اقتصاد بهداشت، اقتصاد ورزش ، بودجه ریزی

اقتصاد جمعیت، اقتصاد جنگل،

نمونه ای از این شاخه های راتعریف می نماییم:

اقتصاد سیاسی

عبارتست از علم قوانین تولید و توزیع نعمات مادی در مراحل مختلف تکامل جامعه انسانی. اقتصاد سیاسی یک روش مطالعه علمی درباره پدیده‌های اجتماعی است. این رهیافت بر وجود ارتباط میان مولفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن به پدیده‌های اجتماعی مبتنی است. به همین دلیل اگرچه اغلب زیرمجموعه علم اقتصاد دانسته می‌شود، باید آن را چیزی فراتر از علم اقتصاد محض دانست؛ اقتصاد سیاسی Political Economy یا به شکل اختصاری PE است، اما علم اقتصاد Economics. مثلاً برای تحلیل رفتار انتخاباتی طبقات مختلف به منافع اقتصادی آن طبقات رجوع می‌شود و یا تأثیر اقتصادی یک تصمیم‌گیری سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

اقتصاد سنجی

اقتصاد سنجی توجه خود را به اندازه‌گیری و تحلیل روابط اقتصادی معطوف می‌دارد. از نظر لغوی اقتصاد سنجی از دو کلمه اقتصاد و سنجش و یا دو کلمه اقتصاد و اندازه‌گیری ترکیب شده است.

مالیه: بررسی عملیات و فعالیتهای مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولتها، روشهای جمع‌آوری درآمدها و نحوه اداره وجوه و منابع مالی است. یکی از مسائلی که فکر اقتصاددانان امروز را بخود مشغول می‌کنید و در تمامی کشورهای

رهایی از اقتصاد نفتی/۳۳

جهان، چه کشورهای توسعه یافته و چه کشورهای در حال توسعه موضوع داغ روز است و آن تحت عنوان مالیه عمومی است. دلیل اهمیت آن را می توان گسترش روز افزون وظایف دولت ها، گسترش نیازهای ملت ها و منابع محدود در حال کاهش کشور خلاصه کرد. و این باعث علم جدیدی بنام علم مالیه عمومی گردید.

برنامه ریزی اقتصادی: داشتن اقتصاد سالم تکیه گاه کشورها محسوب می شود و اقتصاد پویا و سازنده منوط به علم برنامه ریزی است، تا در پرتو آن همراه با بررسی های علمی و دقیق بتوان به صورت مطلوب از آن بهره گیری کرد. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

اقتصاد توسعه: اقتصاد اساساً بر پایه اصولیکه از ابتدای شروع خود داشته، نمی تواند با یک متد، همه جهان را رهبری کند. شاید زمانی ژاپن پس از جنگ را با متدهایی می شد به کشوری توسعه یافته تبدیل نمود؛ اما این متدها را اکنون نمی توان در عراق عملی کرد. اقتصاد کشورهای فقیر با جهت گیری های متفاوت ایدئولوژیکی، زمینه های متنوع فرهنگی و مسائل مشابه ولی بسیار پیچیده همراه است. برای بیرون رفتن از وضعیت نابهنجار عقب ماندگی چاره ای جز ایجاد اندیشه های جدید و روشهای نو ندارند. این همان وظیفه ایست که اقتصاد توسعه آن را به عهده گرفته است. این علم علاوه بر اینکه به اختصاص کالای منابع تولیدی کمیاب موجود و رشد پی در پی آن در طول زمان می پردازد، با مکانیسم های اقتصادی، اجتماعی و نهادی، سر و کار دارد. این مکانیزمها، (چه

عمومی و چه خصوصی) لازمه بهبود سریع (حداقل با معیار تاریخی) و وسیع سطح زندگی توده‌های فقیر، بی‌سواد و گرفتار سوء تغذیه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است. در بیشتر موارد به دلیل اینکه مسائل توسعه جهان سوم در دنیای منحصر به فردی است، ممکن است که علاوه بر نگاه کلاسیک اقتصاد مجبور باشیم دست به نوآوری بزنیم. نگاه کلاسیک و روند سنتی آن به روش‌های غیر مرسوم برخورد با مسائل اقتصادی این کشورها که تحت قراردادهای اقتصادی نیز قرار نمی‌گیرند، تعلق دارد. هدف اقتصاد توسعه، اعتلاء سطح زندگی و بهبود وضع عمومی مردم است؛ اما برای رسیدن به اقتصاد توسعه، به علت پیچیدگی موضوع، نیاز به فراتر رفتن از اقتصاد صرف داریم.

توسعه اقتصادی چیست؟

باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود.

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۳۵

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارآیی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد.

”توسعه اقتصادی“ عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

اقتصاد ملی

عبارت از مجموع ساحات تولیدی است ، و ساحات آتی را در بر میگیرد : صنایع ساختمانی ، زراعتی ، ترانسپورتی ، و سیستم پول و غیره .

تا قرن نوزدهم آنچه که بیشتر در اقتصاد مورد بحث قرار می گرفت ، زمین و مستغلات بود . اما به تدریج و پس از انقلاب صنعتی اروپا ، منابع طبیعی نیز مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت . در قرن بیستم و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم برنامه ریزان متوجه شدند که هرگونه رشد اقتصادی لاجرم با دسترس بودن منابع طبیعی ملازمه دارد . در اکثر سالهای قرن بیستم کسی به فکر آنکه این منابع محدود و پایان پذیر است نبود . اما اکنون بدون آنکه به عامل کاهش و پایان پذیری منابع طبیعی فکر کنیم ، نمی توانیم تجزیه و تحلیل صحیح از اقتصاد کلان داشته باشیم . منابع طبیعی عبارتند از زمین ، نفت ، ذغال سنگ ، سنگ های معدنی ، سنگ های قیمتی ، موجودات زنده دریا ، و زیبایی های طبیعی . منابع پایان پذیر عبارتند از منابعی که می توان استفاده های احتمالی از آن را یافت که عرضه آن به تدریج کاهش یابد مانند نفت ، ذغال سنگ و سنگ های معدنی . اقتصاد سیاسی منابع پایان پذیر بر روی این موضوع متمرکز است که با ازدیاد بهره برداری از منابع پایان پذیر به تدریج دارندگان این منابع کاهش می یابد و هرچه این کاهش بیشتر باشد ، احتمال آنکه که کشورهای باقیمانده یک کارتل را تشکیل دهند افزایش می یابد .

اقتصاد انرژی

انرژی در جهان امروز یک عامل راهبردی است و اغلب کشورهای جهان به خصوص آنها که به دنبال اعمال اراده و قدرت خود بر دیگر کشورها می باشند از همین دریچه به مقوله انرژی می نگرند.

ایران، علاوه بر اینکه دارای ذخایر ویژه و عمده ای از منابع انرژی بخصوص نفت و گاز می باشد، در منطقه ای از جهان واقع است که یکی از اصلی ترین منابع انرژی در سطح جهان به شمار می رود. بنابراین با توجه به اینکه مقوله انرژی برای کشورهای سلطه طلب، نقش موتور محرکه اقتصاد و تولید ملی و تعیین کننده جایگاه آنها در نظام سرمایه داری جهان را دارد و همچنین تضمین کننده منافع و امنیت ملی آنها است، برای کشور ما نیز چگونگی سامان دهی به سیاستهای بخش انرژی، نقش کلیدی در فرآیند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را داراست و لذا ضروری است که برای انرژی و بخصوص نفت و گاز و به دنبال اینها انرژی هسته ای، برنامه و استراتژی اندیشیده و متناسب با شرایط واقعی موجود داخلی و جهانی داشته باشیم.

اقتصاد کشاورزی

اقتصاد کشاورزی به مجموعه‌ای از علوم و روشها اطلاق می‌شود که عوامل اقتصادی موثر در امور کشاورزی، روابط اقتصادی موجود بین عوامل تولید کشاورزی و کاربرد اصول اقتصادی را در تولید و توسعه کشاورزی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و این امکان را به کشاورز می‌دهد که با مقدار زمین سایر لوازمی که در اختیار دارد سود بیشتری بدست آورد. به بیان دیگر اقتصاد کشاورزی عبارت از کاربرد اصول و نظریه‌های اقتصاد عمومی در فرآیند تولید، مبادله، توزیع و مصرف مواد غذایی و مواد خام اولیه مورد نیاز سایر بخش هاست. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد کشاورزی، روش‌های چگونگی استفاده مطلوب و بهینه از منابع طبیعی در بخش کشاورزی را از طریق شیوه‌ها و ابزار کارآمد خود مورد مطالعه قرار می‌دهد. هدف از ایجاد این رشته، تربیت نیروهای متخصص و کارآمدی است که بتوانند با تکیه بر دانش و اندوخته‌های علمی و تجارب عملی خود به عنوان کارشناس اقتصاد کشاورزی به تهیه و تدوین طرح‌های توسعه کشاورزی و ارزیابی اقتصادی آنها در سطوح مختلف منطقه‌ای و یا ملی بپردازند و همچنین از طریق بکارگیری روش‌های تجزیه و تحلیل کمی و ارائه مدل‌های ریاضی در حل مسائل و مشکلات تولید، توزیع و یا مصرف مواد غذایی و مواد خام، راهکارهای مناسبی را ارائه می‌نمایند. متخصصان اقتصاد کشاورزی در فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مرتبط با مسائل اقتصادی بخش کشاورزی نیز می‌توانند همکاری نمایند.

اقتصاد ورزشی

ورزش در ایران همیشه به عنوان یکی از مباحث فرعی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک رکن مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به آن نگاه می شود. کشورهای نظیر آلمان، بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خود را از طریق رونق اقتصادی ورزش به دست می آورند. اما در ایران کمتر از ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی از طریق اقتصاد ورزش تامین می شود. اقتصاد از جمله مقوله هایی است که در همه ی حوزه ها نقش اساسی را ایفا می کند. در حوزه ی ورزش نیز این نقش اساسی مشهود است. حال این سوال مطرح می شود که در بخش ورزش این ساز و کارهای اقتصادی چقدر می تواند مفید به فایده و نقش تعیین کننده ای در جهت گیری ورزش کشور داشته باشد. در پاسخ باید گفت زوایای زندگی و اجرامی که در کنار ما هستند همیشه تازگی خودش را دارد. اما چون ما به همه ی علوم آگاهی نداریم و در حقیقت ضعیف هستیم؛ سالها طول می کشد تا آن اشکال را بشناسیم و به ماهیت آن پی ببریم. زمانی وقتی در کشتارگاه کشتاری می کردند حیوانی را سر می بریدند؛ فقط گوشت آن را استفاده می کردند و مشتقات آن به دور ریخته می شد. اما امروزه از تمامی بخش های حیوانی مثل گوسفند استفاده می شود. پس خداوند هر چیزی که آفریده است با ارزش است.

اقتصاد حمل و نقل

رشته علوم اقتصادی مجموعه دانشهای مربوط به اقتصاد را مورد بحث و بررسی قرار می دهد . این مجموعه که حاصل سلسله ای از اندیشه ها و تفکرات است تا محور قرار دادن بررسی منابع کمیاب و تلاش برای استفاده بهینه از منابع محدود طبیعی و همچنین نیروی کار انسانی در پی آنست تا با چینش دقیق اجزاء و عناصر گوناگون اقتصادی در کنار یکدیگر از منابع کمیاب یاد شده به گونه ای استفاده نماید که بیشترین میزان ممکن از خواسته های انسانی تامین گردد . بدین سبب گرایش های مختلفی در رشته علوم اقتصادی به وجود آمده است که یکی از آنها گرایش اقتصاد حمل و نقل می باشد . هدف از تاسیس چنین گرایشی آشنا نمودن دانشجویان با مفاهیم و ویژگیهای اقتصادی حمل و نقل ، روشهای حمل و نقل سنتی و مدرن ، انتخاب وسیله ارزیابی خدمات حمل و نقل ، ارزشیابی طرحها و پروژه های حمل و نقل و مواردی دیگر از این نوع و بررسی نظریه های گوناگون ارائه شده در زمینه ارتباطی حمل و نقل و توسعه اقتصادی است . در این گرایش همچنین نکات ویژه ای در خصوص حمل و نقل زمینی ، دریایی ، هوایی ، خطوط و لوله های نفتی مورد بررسی قرار می گیرد .

حمل و نقل از دو بخش تشکیل شده یکی زیر ساختارهای حمل و نقل و دیگری وسایل حمل و نقل . برای استفاده بهینه از این سیستم حمل و نقل این رشته در دانشگاه آزاد برگزار می گردد تا امکان تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد

رهایی از اقتصاد نفتی/۴۱

نیاز کشور در حد کارشناسی فراهم کند. توسعه حمل و نقل همانطور که همگان اطلاع دارند، به طور روز افزون از دانش و تکنولوژی بالایی برخوردار است پس بنابراین در ایران هم، امروز می بایستی همراه با این افزایش دانش و تکنولوژی یعنی فنون جدید حمل و نقل نیروهای ماهر و متخصصی تربیت کنیم تا بتوانیم این سیستم حمل و نقل را چه از نظر زیر ساختارهای حمل و نقل، چه از نظر وسائط حمل و نقل بصورت بهینه مورد استفاده قرار دهند.

اقتصاد بهداشت

اقتصاد بهداشت یا مراقبت های بهداشتی، بکارگیری و استفاده از ابزار و مفاهیم اقتصادی در مسایل مرتبط با بهداشت و مراقبت های بهداشتی است.

اقتصاددانان به دلایل مختلفی به عرصه مراقبت های بهداشتی توجه دارند. اول اینکه منابع برای مراقبت های بهداشتی محدود است و همانند موارد دیگر، تقاضا برای خدمات بهداشتی از عرضه آن ها بیشتر است. دیگر این که محدودیت و کمیابی به آسانی و با افزایش هزینه های بهداشتی از میان نمی رود زیرا اهمیت هزینه های فرصت نادیده گرفته می شود. برای افزایش اعتبارات بخش بهداشت لازم است که اعتبارات مثلا آموزش، راه و ترابری، دفاع و . . . کاهش یابد. در بسیاری از شرایط، معیار ما برای تخصیص کالا و خدمات در بخش بهداشت، نه میل و اشتیاق (Willingness) یا توانمندی پرداخت (Ability to pay)، بلکه

۴۲ / رهایی از اقتصاد نفتی

نیاز (Need) می‌باشد. لذا ما به مجموعه‌هایی از تکنیک‌های اقتصادی برای تحلیل و ارزیابی بازار مراقبت‌های بهداشتی نیازمندیم.

اقتصاد محیط زیست

به طور کلی رابطه بین آثار اقتصاد بر محیط زیست و آثار محیط زیست بر اقتصاد را بررسی می‌کند. اقتصاد و محیط زیست، از طریق دو جریان با یکدیگر در ارتباط هستند. منابع تجدیدپذیر و پایان‌پذیر در حال حرکت از محیط زیست به سوی اقتصاد هستند و از سوی دیگر، اغلب پسماندهای محصولات که به وسیله فعالیت‌های اقتصادی تولید می‌شوند، در حال حرکت از اقتصاد به محیط زیست هستند. هنگامی که جریان‌های مواد و ضایعات از ظرفیت و قابلیت واقعی محیط تجاوز می‌کند، ظرفیت منابع طبیعی و زیست‌محیطی کاهش می‌یابد. جریان سریع منابع پایان‌پذیر به درون چرخه اقتصادی این خطر را به وجود می‌آورد که ذخیره منابع پایان‌پذیر ممکن است سریعتر تمام شود.

هنگامی که جریان منابع تجدیدپذیر نیز به سوی چرخه اقتصادی، از نرخ تجدید و احیا این منابع تجاوز می‌کند باعث کم شدن بهره‌وری منابع می‌شود و احتمال انقراض آن افزایش می‌یابد. انتشار پسماندها اضافه بر ظرفیت محیط زیست، احتمال فرسایش منابع طبیعی را افزایش می‌دهد، کاهش و فرسایش سریع منابع پایان‌پذیر باعث افزایش یافتن بهره‌برداری منابع تجدیدپذیر خواهد شد و همچنین

رهایی از اقتصاد نفتی/۴۳

افزایش انتشار پسماندها اضافه بر ظرفیت محیط زیست، عموماً نشان‌دهندهٔ این است که اقتصاد به سوی وابستگی بیشتر به سوی محیط زیست در حرکت است. از آنجا که مقیاس‌های سنتی اندازه‌گیری کارایی اقتصادی، تغییرات در اندازهٔ منابع طبیعی و زیست‌محیطی را مورد محاسبه قرار نمی‌دهند، این مقیاس‌ها، مقیاس‌های ضعیفی جهت اندازه‌گیری پایداری بلندمدت اقتصاد می‌باشند. حسابداری منابع طبیعی و محیط زیست، ناکارایی مقیاس‌های سنتی در اندازه‌گیری کارایی اقتصاد را به وسیلهٔ محاسبهٔ تغییرات ذخایر منابع طبیعی اصلاح می‌کند.



فصل دوم

اقتصاد مقاومتی

در کشورهای پیشرفته



تاریخچه اقتصاد مقاومتی در دنیا

برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در برهه‌های تاریخی بسیاری از کشورهای مختلف جهان وجود داشته است. نمونه‌ای از این برنامه‌ها، احداث «باغ‌های جنگ» یا «باغ‌های پیروزی» هستند که در دوران جنگ جهانی اول و دوم در آمریکا و کشورهای اروپایی رواج داشت.

باغ‌های پیروزی یا باغ‌های جنگ، راهکار آمریکایی مقاومت در دوران جنگ جهانی بود. این باغ‌ها که به کشت محصولات غذایی نظیر میوه، سبزیجات و غلات در خانه‌های شخصی و پارک‌های عمومی اختصاص یافته بودند با هدف رفع نیازهای جامعه در دوران قحطی و کمبود منابع غذایی در کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، آلمان و اتریش ترویج شدند.

ایالات متحده از پوستره‌های متعدد با نمادهای میهن‌پرستانه جهت تشویق مردم به ایجاد «باغ‌های پیروزی» بهره جست.

جنبش «باغ پیروزی» که به منظور غلبه بر بحران قحطی مواد غذایی آغاز شده بود سبب شد میلیون‌ها آمریکایی، دست به احداث چنین باغ‌هایی بزنند. تأثیر مستقیم تبلیغات به حدی بود که در آن سال‌ها ۴۰ درصد از مواد غذایی مورد نیاز خانوارهای آمریکایی، در باغچه منازل شخصی، پارک‌های عمومی یا پشت بام آپارتمان‌ها تولید می‌شد. در همین دوران، کمپین‌های مشابهی در سایر کشورهای

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۴۷

درگیر جنگ شکل گرفت که در کانادا «یک باغ سبزیجات برای هر خانه»، در انگلستان «کاشت برای پیروزی»، در استرالیا «برای پیروزی بکارید» نام گرفتند. احداث این باغ‌ها علاوه بر اینکه از بروز قحطی جلوگیری می‌کرد سبب کاهش بهای مواد غذایی در بازار و در نتیجه کاهش هزینه‌های ارتش برای تأمین خوراک سربازان می‌شد.

تعریف اقتصاد مقاومتی

بنا به تعریف برخی از اقتصاد دانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در روبرویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند. تاریخچه اقتصاد مقاومتی از کجا شروع شد؟ از طرح بحث در ۸۹ تا نامگذاری سال در ۹۵ رهبر معظم انقلاب به منظور انجام اقدامات سریع و ریشه ای در کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی و سیاست های کلی آن، به طوری که نتایج آن در عمل دیده شود و مردم آن را حس کنند، سال

۴۸ / رهایی از اقتصاد نفتی

۱۳۹۵ را به نام «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامگذاری و از دستگاه‌ها و مسئولان حرکت گسترده در این زمینه را مطالبه نمودند. تاریخچه آغاز اقتصاد مقاومتی از سال ۸۹ و ادامه آن تا امروز در هفت محور زیر: مورد اشاره قرار گرفته است.

اقتصاد مقاومتی چیست و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی کدام است؟

"اقتصاد مقاومتی" اصطلاحی است که این روزها نقل محافل خبری و اقتصادی کشور شده و بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم‌های بی سابقه‌ای که به کشورمان تحمیل شده می‌دانند.

کمتر کسی به تشریح مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی غرب پرداخته است که منجر به بروز ابهاماتی در این خصوص شده و برخی از مردم این دو مفهوم را مکمل و یا مترادف یکدیگر دانسته‌اند. در این گزارش تلاش می‌کنیم این مفاهیم را مقایسه کنیم تا ابهامات بر طرف شود.

مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های

رهایی از اقتصاد نفتی/۴۹

عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود.

بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند.

در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد.

۵۰ / رهایی از اقتصاد نفتی

اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلا کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما ، می تواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند.

بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته

هر اقتصادی با هر پایه ی ایدئولوژیک و در هر چارچوب فکری، فلسفی، و اجتماعی، دارای اهدافی نیز می باشد و البته در مسیر تحقق آنها دشواری ها، تهدیدها و موانعی نیز وجود دارد. طبیعی است که سردمداران هر جامعه ای تلاش می کنند نظام اقتصادی خود را به نحوی سامان دهند که با وجود همه ی این دشواری های محتمل، اهداف اقتصادیشان محقق شود و این یعنی ایجاد اقتصاد مقاومتی. بنابراین بررسی و دقت در تجربیات اقتصادی مثبت دیگر کشورها می تواند درس ها و عبرت هایی برای ما به همراه داشته باشد.

کتاب اقتصاد مقاومتی در کشورهای_پیشرفته ، به بررسی تجربیات کشورهای دیگر در مقاوم سازی اقتصادشان خصوصا در موضوع تولید ملی می پردازد. در این کتاب سیاست ها و برنامه های اقتصادی ۱۰ کشور پیشرفته جهان برای تقویت

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۵۱

تولید ملی مورد مطالعه قرار گرفته است. کشورهای انتخاب شده عبارتند از انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه، آمریکا، چین، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و هند.

طبق تعریف، اقتصاد مقاومتی یک نظریه جهانی است. اقتصادی مقاومتی دانسته می‌شود که با وجود همه موانع، مشکلات، تهدیدات و دشمنی‌ها به اهدافش برسد. بدین ترتیب با وجود تنوع در اهداف اقتصادی، همه ملت‌های مستقل و همه مدیران مدبر آنها به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خود در مقابل موانع و مشکلات سخت (مانند جنگ، کمبود منابع، بلایای طبیعی و...) و موانع و مشکلات نرم (تحریم، بحران‌های اقتصادی جهانی و...) خواهند بود. از این مقدمه ۲ محور نتیجه می‌شود: محور اول آنکه در جمهوری اسلامی ایران نیز لازم است ساختار و سازوکارهای اقتصادی به نحوی اصلاح و تنظیم شود که با وجود همه مشکلات داخلی و خارجی از جمله شوک‌های نفتی، تحریم، بحران‌های اقتصادی خارجی، بلایای طبیعی و... اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی که عبارتند از «رفاه عمومی»، «پیشرفت اقتصادی» و «استقلال اقتصادی» محقق شود.

این امر مستلزم اصلاحاتی در سطوح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خواهد بود که برخی از آنها عبارتند از اصلاح نظام بانکی، سازوکارهای اجرایی، فرهنگ اقتصادی، دانش و فناوری، مبارزه با مفاسد اقتصادی، امنیت غذایی و ارتقای کیفیت تولید. بدین ترتیب ضمن افزایش کم و کیف تولید ملی، کشور در مقابل تکانه‌های مختلف در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی مصون خواهد شد. محور دوم ضرورت

توجه به تجربیات کشورهای دیگر در مقاوم‌سازی اقتصاد خود است. به طور کلی در اندیشه اسلامی بهره‌برداری از تجربیات بشری امری مطلوب دانسته می‌شود. بررسی و دقت در تجربیات اقتصادی کشورهای دیگر نیز می‌تواند درس‌ها و عبرت‌هایی را به همراه داشته باشد. منظور از درس‌ها، اقدامات مثبتی است که ملت‌های دیگر برای تقویت اقتصاد خود انجام داده‌اند و البته اشتباهاتی که موجب تضييع منابع و کاهش توانمندی‌های اقتصادی آنها شده است نیز می‌تواند آینه عبرت قرار گیرد. این نوع مطالعه می‌تواند باعث تسريع در حرکت و جلوگیری از تکرار رفتارهای پرهزینه و کم منفعت شود. کتاب حاضر که با محوریت «بررسی تجربیات کشورهای پیشرفته در اقتصاد مقاومتی» تالیف شده است، از چند زاویه حائز اهمیت است که اولین آن دقت مولف در انتخاب کشورهاست. بررسی عملکرد کشورهایی که هم اکنون در بالاترین رده‌های اقتصادی جهان قرار گرفته‌اند (ژاپن، چین، آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، هند، کره جنوبی، استرالیا و روسیه) نشان می‌دهد عنصر اصلی پیشرفت اقتصادی کشورهای پیشرفته جهان آن چیزی است که در ادبیات انقلاب اسلامی «اقتصاد مقاومتی» نامیده می‌شود.

البته در این زمینه لازم است توجه شود که همه ابعاد عملکرد اقتصادی این کشورها در چارچوب ادبیات اقتصاد مقاومتی قرار نمی‌گیرد و اتفاقاً آنچه خارج از اندیشه مبنایی اقتصاد مقاومتی در کشورهای مذکور صورت گرفته، به نسبت شدت و ضعفش اثراتی منفی در مسیر پیشرفت اقتصادی آنها داشته است (تبیین این

رهایی از اقتصاد نفتی/۵۳

موضوع خود می‌تواند در قالب مطالعه دیگری صورت گیرد). نکته دیگر، محور اصلی بررسی در کشورهای مورد مطالعه است. مولف محترم یکی از مهم‌ترین حوزه‌های عملکرد اقتصادی کشورهای مورد نظر را مورد توجه قرار داده‌اند که عبارت است از «تقویت تولید ملی». این محور به قدری اهمیت دارد که در ادبیات نظری، به عنوان یکی از ۲ رکن اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود. از این جهت موضوع این کتاب خواسته یا ناخواسته با عنوان سال ۱۳۹۶ «اقتصاد مقامتی؛ تولید- اشتغال» هماهنگ است (رکن دوم فرهنگ اقتصادی است که این هم خود می‌تواند در مطالعه دیگری به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گیرد). نکته سوم توجه به نقش هر دو گروه اصلی در اقتصاد یعنی «دولت» و «مردم» است. در ادبیات اقتصاد مقاومتی اگرچه مسؤولیت نهایی بر عهده دولت است، لکن مردم نیز باید با هدایت، پشتیبانی و نظارت دولت و حاکمیت به ایفای نقش بپردازند. در نهایت به عنوان عضو کوچکی از جامعه علمی اقتصاد مقاومتی کشور ضمن تشکر از سرکار خانم سیده‌حانیه مؤمنی بابت خلق این اثر ارزشمند و آرزوی تداوم توفیق برای ایشان و کسانی که در این مسیر همیار ایشان بوده‌اند و امید به ادامه مجدانه کار، مطالعه این کتاب را به همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی و پیشرفت ایران اسلامی پیشنهاد می‌کنم. در ادامه بخش‌هایی از کتاب (که هر یک مربوط به یکی از کشورهای منتخب است) به صورت خلاصه ارائه می‌شود.

اقتصاد مقاومتی در آمریکا

آمریکا با بیش از ۱۷ هزار میلیارد دلار تولید در رتبه اول اقتصادهای جهان قرار دارد. این مساله بدین جهت بوده است که سیاست‌های اقتصادی آمریکا و حتی الگوی دیپلماسی خارجی آن در راستای تقویت تولید ملی این کشور تنظیم شده است. این کشور طی یک قرن اخیر، برنامه‌های مهمی برای تقویت تولید ملی خود طراحی و اجرا کرده است که نتیجه آن تبدیل شدن این کشور به یکی از تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی جهان است؛ به نحوی که این کشور در تولید بسیاری از غلات، محصولات باغی و تره‌بار جزو ۳ کشور برتر جهان شناخته شده و در رده‌های بالای صادرات محصولات کشاورزی قرار دارد. سیاست‌های دولت آمریکا در زمینه تولیدات صنعتی نیز سبب تبدیل شدن این کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ صنعتی جهان شده است تا جایی که عمده صادرات این کشور عبارت است از: انواع ترانزیستورها، هواپیما، قسمت‌های موتور وسایل نقلیه، کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی که حدود ۵۰ درصد از صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش خدمات آمریکا نیز با سرعت بالایی رشد یافته است، تا آنجا که هم‌اکنون حدود ۷۵ درصد از اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده است. اما رشد قوی و پایدار تولید در آمریکا به دلیل سیاست‌های اقتصادی و تجاری همراستا با تولید بوده است. به عنوان مثال یکی از علل تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی در آمریکا، سیاست‌های پولی، مالی و بانکی این کشور است. در واقع سیاست‌های کلان اقتصادی این کشور به نحوی تنظیم می‌شود که بیشترین اثر مثبت را بر

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۵۵

تولید داشته باشد. این سیاست‌ها سبب شده در شرایط رکود، منابع نقدینگی اضافی ایجاد شده توسط بانک مرکزی این کشور به سمت تولید حرکت کند.

بانک مرکزی این کشور به منظور تحقق این اقدام، در سال‌های پس از ۲۰۱۰ به طور دائم ضریب فزاینده پولی نظام پولی این کشور را در کمتر از عدد ۳ حفظ کرده است (این عدد در ایران هم‌اکنون حدود ۶ است). بالا بودن ضریب فزاینده پولی به معنای قدرت بالای شبکه بانکی برای خلق پول است که نتیجه آن کاهش قدرت مدیریت عالی بانکی آن کشور (بانک مرکزی) برای جهت‌دهی منابع نقدینگی به سمت بخش‌های خاص از جمله تولید خواهد بود. در واقع مدیریت عالی پولی آمریکا با پایین نگه داشتن قدرت خلق پول بانک‌ها، شرایط لازم را برای جهت‌دهی نقدینگی اضافه ایجاد شده به سمت تولید و سرمایه‌گذاری فراهم کرده است (در بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - ابلاغیه مقام معظم رهبری در بهمن ماه ۹۲ - نیز بر اصلاح نظام مالی کشور به نحوی که باعث جهت‌دهی منابع نقدینگی به سمت تولید شود، تاکید شده است).

اقتصاد مقاومتی در ژاپن

کشور ژاپن با داشتن تولید ناخالص داخلی به میزان ۴/۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ دومین قدرت اقتصادی دنیا پس از آمریکا بوده و در آسیا نیز رتبه اول را از این لحاظ دارد. این کشور در سال ۲۰۱۴ با نزدیک به ۵ تریلیون دلار در جایگاه سوم جهان پس از چین و آمریکا قرار گرفته است. ژاپن در شرایطی جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کرده است که به لحاظ منابع طبیعی و نیز سرگذشت سیاسی شرایط بسیار نامطلوبی دارد. به لحاظ طبیعی این کشور منابع بسیار محدودی دارد و اکثر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است. به لحاظ سیاسی نیز شکست در جنگ دوم جهانی وضعیت اسفباری را برای این کشور رقم زد. پس از شکست در این جنگ، ژاپن با داشتن ۱۳ میلیون بیکار، شرایط بسیار سخت اقتصادی را تجربه کرد. کمبود مواد غذایی، تورم بسیار شدید تا حدی که حقوق افراد کفاف سیر کردن شکم‌شان را نمی‌داد و شکل‌گیری بازار سیاه تنها بخشی از مشکلات این کشور بود. این مسائل به علاوه ضرورت بازسازی کشور ناشی از خرابی‌های جنگ که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱/۵ درصد از ثروت ملی این کشور شده بود و نیز مسؤولیت پرداخت غرامت به متفقین باعث بروز فشار بیشتری بر مردم و دولت ژاپن شده بود اما مردم و دولت ژاپن با رویکردی منطقی که لاقفل در بخش تقویت تولید ملی شباهت زیادی به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی دارد و با همکاری یکدیگر، ژاپن فقیر و ویران را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی جهان تبدیل کردند. با همکاری

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۵۷

دولت، مردم و صنعت و نیز با توسعه فناوری‌های پیشرفته، ژاپن به یکی از پیشگامان عمده در صنعت و فناوری دنیا تبدیل شد. یکی از عوامل پیشرفت شگفت‌انگیز تولید ملی اقتصاد ژاپن فرهنگ بالای تولید در مردم این کشور است. در این دهه‌ها مردم ژاپن نه تنها برای سود تولید می‌کردند، بلکه تولید و کار را امری مقدس و ارزشمند می‌دانستند. ژاپنی‌ها همچنین برای ارتقای بهره‌وری و کارایی خود تلاش می‌کردند. آنها با کنجکاوی به پیگیری مهارت‌ها و روش‌های مناسب‌تر برای کار و تولید می‌پرداختند. در واقع انگیزه نیروی کار ژاپنی برای بهبود کارایی خود، فراتر از آنکه تحت تاثیر نظام انگیزشی اقتصادی باشد به صورت درونزا و با انگیزه‌های شخصی صورت می‌گرفت. ارزش قائل شدن برای کار و تولید، تلاش مضاعف و نیز تلاش برای ارتقای دانش و مهارت ۳ ویژگی مهم نیروی کار ژاپنی است. در کنار فرهنگ تولیدی بالا، الگو و فرهنگ مصرف صحیح نیز از کلیدهای پیشرفت اقتصادی ژاپن طی دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی بوده است. ۲ ویژگی مهم مردم ژاپن در حوزه مصرف عبارت بود از: قناعت و اعتدال در مصرف و تاکید بر مصرف کالاهای وطنی. همچنین تاکید مردم ژاپن بر مصرف کالاهای ساخت داخل طی دهه‌های اولیه پس از جنگ با هدف تقویت صنایع داخلی موضوعی مهم در پیشرفت اقتصادی این کشور محسوب می‌شود. این زمینه فرهنگی باعث شد دولت سیاست کاهش واردات از کشورهای دیگر را به منظور تقویت صنایع داخلی در ژاپن با موفقیت اجرا کند، سیاستی که گاهی چنان

افراطی محسوب می‌شد که با عنوان سیاست انزواطلبی از آن یاد شده است. تامین بازار داخل برای تولیدات و محصولات ژاپنی نقطه اتکایی مهم برای تقویت تولید ملی در ژاپن محسوب می‌شود. اما بهترین مکمل برای فرهنگ اقتصادی قوی مردم ژاپن سیاست‌های دولتی این کشور طی دهه‌های پیشرفت بوده، سیاست‌هایی که منجر به ارتقای دانش و فناوری و در نهایت رشد بالای تولید ملی در این کشور می‌شده است. در دهه‌های پیشرفت ژاپن، رشد تولید ملی این کشور تا حد زیادی مرهون تقویت و توسعه صادرات آن بوده است. دولت ژاپن با سیاست‌های مناسب علاوه بر تشویق صادرات، واردات کالا را محدود می‌کرد تا زمینه برای تقویت تولیدکنندگان ژاپنی فراهم شود. این دولت برای افزایش مزیت‌های صادراتی خود حتی بارها اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود (ین در مقابل دلار آمریکا) کرد تا کالای ژاپنی برای خریداران خارجی ارزان‌تر تمام شود و صادرات ژاپن افزایش یابد. در مقابل توسعه صادرات، دولتمردان ژاپنی بخوبی واقف بودند که نیازمند فناوری‌های موجود در سایر کشورهای پیشرفته هستند. از سوی دیگر به هیچ عنوان قصد نداشتند با آزادسازی واردات بازار مصرف تولیدات داخلی خود را دچار خطر کنند. به همین جهت بر واردات کالاهایی تمرکز کردند که همزمان با ورود آنها انتقال فناوری نیز ممکن می‌شد. این کشور طی دهه‌های شکوفایی خود هرگز در صناعی که قدرت رقابت جهانی نداشتند، اجازه واردات آزاد را نداد و دائما تا تحقق قدرت رقابتی بالا از صنایع خود حمایت کرد. الگوی صادرات ژاپن مبتنی بر

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۵۹

صادرات کالاهای ساخته شده و با ارزش افزوده بالاست و نه بر صادرات مواد اولیه. درآمد بالای ناشی از این الگو، دوباره برای رشد و توسعه کشور هزینه می‌شود. الگوی واردات مبتنی بر واردات مواد خام و مواد اولیه مورد نیاز صنایع این کشور است. اولویت در ذهن مدیران «تولید» است نه سود کوتاه‌مدت، بنابراین الگوی اقتصادی حاصل، مبتنی بر ۴ گزاره است: واردات مواد خام از خارج برای تولید در وطن به منظور مصرف کالای ساخت وطن و صادرات کالای ساخت ژاپن برای اعتلای نام ژاپن در دنیا.

در سال‌های اولیه پس از استقلال ژاپن، کالاهای ژاپنی به کیفیت پایین اما قیمت ارزان مشهور بودند اما ژاپنی‌ها نمی‌توانستند این نگاه را به محصولات خود تحمل کنند. از طرف دیگر افزایش رشد تولیدات، رقابت را در صحنه جهانی شدت بخشیده بود، لذا تمام هم و غم ژاپنی‌ها بر کاهش ضایعات تولید در حد صفر قرار گرفت و نظام درست سر وقت و نظام کنترل کلی کیفیت برپا شد. فقط کالاهایی که مطابق استانداردها بودند اجازه صدور می‌یافتند و از این زمان، ارزش‌گذاری توانایی شرکت‌ها، بر اساس «تحقق بهترین کیفیت» انجام می‌شد. ژاپن پس از استقلال توانست به سرعت خود را به یک ابرقدرت اقتصادی بدل کند. سال ۱۹۸۰ بیش از ۸۰ درصد از رشد ژاپن ناشی از رشد صادرات بود که قسمت اعظمی از آن به آمریکا صورت می‌گرفت. در داخل خاک آمریکا، شرکت‌های ژاپنی به سرعت از رقبای آمریکایی خود پیشی گرفته بودند. بالاخره گسترش مزاد تجاری ژاپن در

۶۰/ رهایی از اقتصاد نفتی

مقابل آمریکا، به ایجاد منازعات و فشارهایی از طرف آمریکا برای محدودیت صادرات منجر شد. فشارهای آمریکا دولت ژاپن را واداشت مردم را به طرف کالای آمریکایی تشویق کند و ارزش دلار را برابرین کاهش دهد تا کالاهای آمریکایی ارزانتر تمام شود اما ژاپنی‌ها با زیرکی تمام از ارزان شدن کالاهای آمریکایی استفاده کرده و برخی مستغلات استراتژیک آمریکا را خریداری کردند! در کنار سیاست تجاری همسو با تقویت تولید ملی، سیاست مالی و بانکی این کشور نیز موجب فراهم شدن منابع مالی و سرمایه‌ای کافی برای تولیدکنندگان ژاپنی شد. شبکه بانکی ژاپن همگام با روحیه و فرهنگ اعتدال در مصرف و پس‌انداز مردم ژاپن، با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و تخصیص تسهیلات به تولیدکنندگان، موتور محرک صنعت و فناوری این کشور محسوب می‌شد.

اقتصاد مقاومتی در آلمان

کشور آلمان با حدود ۳۹۰۰ میلیارد دلار تولید ملی، در جایگاه چهارم اقتصاد جهان قرار دارد. این کشور بزرگ‌ترین و قدرتمندترین اقتصاد در اروپا و منطقه یورو محسوب می‌شود و توانسته در پیشرفت اقتصادی گوی سبقت را از رقبای خود در اروپا بریابد.

تقویت صادرات (بویژه در حوزه‌های حساس و با ارزش افزوده بالا): نیمی از رشد اقتصاد آلمان در دهه‌های گذشته ناشی از صادرات است. مازاد تجارت خارجی،

رهایی از اقتصاد نفتی/۶۱

۱۸۸ میلیارد یورو (۲۴۳ میلیارد دلار) یا ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی است. از دیدگاه سران آلمان، صادرات قوی و مازاد تجاری زیاد نمادهای قدرت اقتصادی هستند. به همین جهت سیاست‌های تشویقی جدی برای تقویت صادرات در این کشور طی ده‌ها سال پیگیری می‌شده است. ارتقای دانش در کارگران: ارتقای بهره‌وری کارکنان و کارگران یکی از موضوعات مورد توجه دولت‌های آلمان بوده است. این مساله آن زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که در جریان بحران مالی ۲۰۰۸ غرب که آمریکا و اروپای غربی با مشکلات اقتصادی جدی روبه‌رو شدند، شرکت‌های آلمانی که به جهت کاهش تقاضا بیکار شده بودند، به جای اخراج کارکنان و کارگران خود، آنها را به دوره‌های آموزشی اعزام کردند و در واقع به جای کار و تولید، به ازای آموزش و ارتقای مهارت به کارکنان خود حقوق پرداخت می‌کردند. همین امر باعث شد پس از عبور نسبی از بحران و آغاز تولید، کارکنان و کارگران با مهارت و بهره‌وری بالاتری مشغول به کار شوند.

مدیریت واردات: اگرچه اقتصاد آلمان در دوره شکوفایی نوین خود اقدام ویژه‌ای برای کنترل واردات صورت نداد و بخش مهمی از پایه‌های تولیدی آن در دهه‌های پیش‌تر اتفاق افتاد اما این کشور با یارانه‌های صادراتی و به طور همزمان تعرفه‌های وارداتی شرایط را برای تقویت تولید ملی و ارتقای صادرات خود و در مقابل کاهش واردات فراهم کرد.

۶۲ / رهایی از اقتصاد نفتی

کار و کارپرستی: مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد فرهنگ کار در میان جامعه آلمان به یک ارزش تبدیل شده است. در نزد مردم آلمان کار عیار اخلاقی دارد، بدین معنا که به صورت احساس وظیفه شدید و محکمی درآمدی است. در این فرهنگ کار یک وظیفه است و نه فقط یک اشتغال. کارگر آلمانی غرور و افتخار سنتی و شغلی خود را در کارکردن می‌یابد و آن را به منزله نوعی امتیاز تلقی می‌کند و همه چیز را از دیدگاه کار ارزیابی می‌کند. مدیریت و روح ابتکار و اختراع: یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگی جامعه آلمان، حاکمیت روحیه ابتکار، خلاقیت و اختراع است. در واقع ذات و فرهنگ اقتصاد دانش‌بنیان در نخبگان این کشور ملکه شده؛ به نحوی که موتور اصلی پیشرفت اقتصادی این کشور را طی ده‌های اخیر تشکیل داده است. نتیجه این امر تقویت صادرات دانش‌بنیان آلمان بوده که به ارتقای قدرت اقتصادی آن کمک جدی کرده است. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری: مطالعات زیادی انجام شده که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی آلمان پس از جنگ داشته است. این منابع سرمایه‌ای از محل پس‌اندازهای مردم و سپس جهت‌دهی این منابع به سمت تولید شکل گرفته است. به طور کلی آلمانی به ذخیره کردن و صرفه‌جویی گرایش دارد. آلمانی از تاریخ گذشته خود آموخته است که قانع زندگی کند و تا آنجا که ممکن است ثروتمند شود. با افزایش سطح درآمد عمومی، مردم آلمان آموختند چگونه زیاد پس‌انداز کنند و بر اثر افزایش آهنگ پس‌انداز، چگونه

رهایی از اقتصاد نفتی/۶۳

سرمایه‌گذاری‌های زیاد و پیشرفت‌های سریع اقتصادی کنند و افزایش ثروتمندی را تحقق بخشند (برگرفته از کتاب روح ملت‌ها، نوشته آندره زیگفريد-جامعه‌شناس و اقتصاددان فرانسوی- ترجمه دکتر احمد آرام- صفحات ۱۸۹ تا

(۱۹۷

الگوی صحیح مصرف: آلمان‌ها در مصرف نیز از الگویی به نسبت مناسب پیروی می‌کنند. علاوه بر کالاهای شخصی و صنعتی، در مصرف منابع عمومی نیز آلمان‌ها رویه مناسبی دارند. به عنوان مثال طی سال‌های اخیر الگوی مصرف آب آلمان‌ها تحت تاثیر فرهنگ عمومی تا حد زیادی بهبود یافته است. میزان سرانه مصرف آب در این کشور در سال ۱۹۹۰ در حدود ۱۴۵ لیتر بوده که طی سال‌های بعد به مرور بهبود یافته، سال ۱۹۹۵ به حدود ۱۳۲ لیتر، سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۲۹ لیتر و سال ۲۰۰۵ به حدود ۱۲۷ لیتر رسیده است. فرهنگ حمایت از تولید ملی: اگرچه کشور آلمان هم‌اکنون سیاست‌های جدی برای کنترل واردات اتخاذ نمی‌کند اما به صورت دائم تراز تجاری آن مثبت است. این بدان معناست که مجموعه سیاست‌های اقتصادی این کشور و نیز فرهنگ اقتصادی توده مردم به نفع تولید و صادرات و علیه واردات عمل می‌کند. به عنوان مثال طی سال‌های بحران اقتصادی غرب (سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰) مشاهده می‌شود مردم آلمان از مصرف کالاهای خارجی که گاهی دارای اختلاف قیمت و کیفیت فاحش نیز هستند به قصد کمک به تولیدکننده هموطن خود خودداری می‌کنند.

اقتصاد مقاومتی در چین

چین هم‌اکنون بر اساس معیاری اقتصاد اول جهان و مبتنی بر معیاری دیگر اقتصاد دوم جهان است. با معیار ارزش تولید ملی بر مبنای دلار آمریکا، چین در سال ۲۰۱۵ با حدود ۱۱ هزار میلیارد دلار در رتبه دوم جهان بوده است اما بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP)، این کشور با حدود ۱۹/۵ هزار میلیارد دلار تولید در صدر کشورهای جهان قرار گرفته است. این در حالی است که ارزش تولیدات این کشور در سال ۱۹۶۰ تنها ۱۰ درصد آمریکا بوده است. این کشور از اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۹ به بعد نرخ رشدی حدود ۹ درصد را به طور متوسط تجربه کرده است. این نرخ گاهی به ۱۶ درصد در سال نیز رسیده است. پیش‌بینی می‌شود این کشور در سال ۲۰۵۰ با حدود ۶۰ هزار میلیارد دلار (PPP) تولید داخلی، اقتصاد اول جهان با فاصله زیاد از اقتصادهای بعدی (یک و نیم برابر اقتصاد آمریکا) باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی بالای چین صادرات چشمگیر و رو به افزایش آن بوده است. این کشور هم‌اکنون با وجود رکود جهانی حدود ۱۴ درصد از کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده است (حدود ۲/۳ هزار میلیارد دلار) و تراز تجاری آن طی دهه‌های اخیر جز سال‌های خاص مثبت بوده است. با اصلاحات اقتصادی که اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در چین اتفاق افتاد، فرآیند توسعه اقتصادی چین مسیری جدید را تجربه کرد. در این مسیر، استفاده بهینه از

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۶۵

ظرفیت‌های درونی مقدمه‌ای شد برای بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های بین‌المللی. بدین ترتیب نظامی اقتصادی شکل گرفت که بر اساس ویژگی‌های بومی کشور چین ایجاد شده و سابقه مشابهی در جهان برای آن وجود نداشت. این نظام متضمن برنامه‌ها و اقداماتی در سطح حاکمیتی و مردمی بود که در نهایت منجر به تقویت تولیدات چینی شد. چینی‌ها بخوبی دریافتند پیشرفت در جهان کنونی بدون تسلط بر علم و فناوری ممکن نیست. به همین جهت طی دهه‌های اخیر یکی از برنامه‌های مهم چین برای پیشرفت اقتصادی، تقویت و بومی‌سازی فناوری بوده است. از جمله اقدامات مهم حاکمیت چین برای توسعه و بومی‌سازی فناوری، ایجاد دهه‌ها منطقه ویژه فنون اقتصادی و علوم و فناوری‌های جدید بوده است. برنامه اصلی این شهرک‌ها، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های جدید در این کشور بوده است. به همین جهت است که بیش از ۶۰ درصد صادرات کشوری را که ۵۰ درصد مردم آن کشاورز هستند، محصولات با فناوری بالا تشکیل می‌دهد. اگرچه در نگاه اول یکی از عوامل پیشرفت اقتصادی در چین باز شدن درهای این کشور به روی جهان دانسته می‌شود اما واقعیت این است که حضور این کشور در عرصه بین‌المللی و جهانی حضوری کاملاً هوشمندانه، برنامه‌ریزی شده و بموقع بوده است. چینی‌ها زمانی درخواست خود را برای ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) که پیش‌تر نام آن گات بود) ارائه کردند که تولید ملی چین نسبت به دهه‌های پیش‌تر از آن رشد قابل توجهی کرده و این کشور به هفتمین صادرکننده

۶۶ / رهایی از اقتصاد نفتی

بزرگ جهان تبدیل شده بود. از سوی دیگر کشوری که با پذیرش سریع همه ملاحظات سازمان تجارت جهانی و اعضای آن می‌توانست ظرف مدت کوتاهی به عضویت این سازمان در آید، تن به مذاکراتی ۱۰ ساله با کشورهای عضو این سازمان داد تا ورودش به این سازمان کمکی باشد به تقویت اقتصاد ملی آن و نه تنها بازارگشایی برای کشورهای توسعه‌یافته. طی همین سال‌ها نیز چینی‌ها تلاش کردند توان تولید داخلی (از جهت کیفیت و قیمت) را به نحوی ارتقا ببخشند که آزادی‌هایی که بعداً برای تجار خارجی ایجاد می‌کند، باعث تضعیف تولید ملی و تسخیر بازارهایش نشود.

تکیه بر سرمایه‌های داخلی به جای سرمایه خارجی

گاهی به اشتباه تصور می‌شود توسعه و پیشرفت چین مرهون سرمایه‌های خارجی است. این تصور غلطی است، زیرا سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به مقدار قابل ملاحظه‌ای رسید و پیش از آن عدد قابل ذکری نبود. اصولاً سرمایه‌گذاری خارجی در چین هرگز از ۱۰ درصد کل سرمایه‌گذاری انجام شده در این کشور فراتر نرفته است. این بدان معناست که چینی‌ها عمدتاً به سرمایه و منابع مالی داخلی خود متکی بوده‌اند و اساساً سازندگی حاصل از بهره‌برداری از منابع داخلی باعث شد منابع سرمایه‌ای خارجی نیز به سمت چین حرکت کند. عمده برنامه‌های اصلاحات اقتصادی چین از روستاها آغاز شد و پس از آن به شهرها رسید. این در حالی است که بر اساس نظریه اقتصاد متعارف (غربی)، اثرات

رهایی از اقتصاد نفتی/۶۷

اشاعه‌ای اقتصاد از مرکز به سمت پیرامون صورت می‌گیرد. تاکید دولتمردان چینی بر ارتقای توان کشاورزان و روستاییان از طریق توسعه آموزش و پشتیبانی‌های فنی، بازاریابی و... باعث شد اقتصاد روستایی این کشور به موتور اصلی برای توسعه آن تبدیل شود. این رویکرد موجب شد نه تنها به لحاظ تامین غذا و پوشاک وضعیت چین به سرعت بهبود یابد، بلکه بعدها بخش عمده محصولات صنعتی صادراتی این کشور نیز از مبدأ روستا اتفاق بیفتد تا جایی که هم‌اکنون برخی تجهیزات پیشرفته نیز در روستاها (در قطعات منفصل و در خانه‌های کوچک) تولید و پس از مونتاژ صادر می‌شود. البته در کنار سیاست‌های اقتصادی مناسب، نوع نگاه مردم چین به اقتصاد و عملکرد آنها مهم‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی این کشور بوده است. یکی از مشخصه‌های مردم چین، فرهنگ بالای کار و تلاش است. مردم این کشور تحت تاثیر فرهنگ کنفوسیوسی، مردمی اهل کار هستند. بر اساس همین فرهنگ بود که چینی‌ها پذیرفتند سال‌ها با درآمد کم کار کنند و اجازه دهند ثروت‌های تولید شده آنها به سرمایه تبدیل شود. فرهنگ مصرف چینی‌ها هم همراستا با برنامه‌های تقویت تولید ملی عمل می‌کند. مردم چین اهل صرفه‌جویی هستند و اسراف نمی‌کنند. حتی در سال‌های اخیر که این مردم صاحب یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان شده‌اند، باز هم فرهنگ مصرف صحیح (و عدم اسراف) را فراموش نکرده‌اند.

۶۸ / رهایی از اقتصاد نفتی

مردم چین از وسایل زاید اطراف و منزل خود، کالاهای مفیدی تولید می‌کنند که می‌تواند بخشی از نیازهای آنها را تامین کند. چینی‌ها در مصرف غذا هم بهینه عمل می‌کنند. نظام تغذیه چینی‌ها عمدتاً مبتنی بر سنت‌های این کشور است و با وجود تلاش غربی‌ها، الگوی مصرف غذا در این کشور چندان تغییر نکرده است. به عنوان مثال در این کشور حدود ۳۰۰ رستوران مک‌دونالد وجود دارد، یعنی تقریباً به ازای هر ۴ میلیون نفر یک رستوران. مردم چین عمدتاً به دنبال برند و مارک‌های مشهور نیستند و جز فروشگاه‌های بزرگ و ویژه، اثری از این محصولات و برندها در چین دیده نمی‌شود. درباره لوازم الکترونیکی مانند موبایل هم نوع مصرف مردم چین آنقدر ساده است که گویی از فناوری روز این دستگاه‌ها که خودشان آن را برای کل جهان تولید می‌کنند، بی‌خبرند.

اقتصاد مقاومتی در روسیه

اگرچه روسیه در سال ۲۰۱۵ با تولیدی معادل ۱۲۳۰ میلیارد دلار آمریکا به لحاظ ارزش اسمی تولیدات در جایگاه ۱۲ جهان قرار داشته است اما با در نظر گرفتن معیار برابری قدرت خرید این کشور با تولیدی حدود ۳۵۰۰ میلیارد دلار در همین سال در جایگاه ششم جهان قرار داشته است. این کشور در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به لحاظ میزان اثر بر رشد اقتصاد جهانی در جایگاه چهارم جهان قرار داشته است. رئیس‌جمهور روسیه معتقد است این کشور بیش از اندازه به صادرات نفت خام و گاز وابسته است. این در حالی است که خام‌فروشی این دو محصول

رهایی از اقتصاد نفتی/۶۹

تنها ۳۸ درصد از کل صادرات این کشور را شامل می‌شود. با این حال روسیه برنامه‌های مهمی برای کاهش وابستگی به نفت و گاز خام و تبدیل این دو ماده طبیعی مهم به منبعی برای توسعه صنعتی خود اجرا کرده و با اعمال تحریم‌های غرب در سال‌های اخیر، اقدامات مهمی برای تسریع در این موضوع در دست اجرا دارد. سیاست‌گذاران و مدیران روسیه بخش زیادی از سیاست‌های اقتصادی خود را بر تقویت تولید ملی و افزایش رفاه شهروندان متمرکز کرده‌اند.

سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری، سیاست‌های علم و فناوری، برنامه‌های مربوط به تقویت زیرساخت‌ها و... عمدتاً با نگاه به تولید ملی و نحوه اثرگذاری آنها بر این رکن اساسی قدرت اقتصادی تنظیم شده است. افزایش حقوق بازنشستگان، ساخت و تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ایجاد مراکز آموزش عالی با امکانات کامل، سرمایه‌گذاری جدی و موثر در آموزش و پرورش و... از جمله برنامه‌های این کشور طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی بوده است که نقش مهمی در تبدیل شدن این کشور به یکی از ۶ بازیگر عمده اقتصاد جهانی در هزاره سوم داشته است. یکی از سیاست‌های مهم کشور روسیه در مقابله با تحریم‌ها، حمایت از بنگاه‌های آسیب دیده در جریان تحریم‌هاست. از جمله اقدامات کرملین در این ارتباط ایجاد صندوقی برای حمایت از این بنگاه‌هاست. این صندوق که با مازاد بودجه دولت تامین مالی شده است، با سرمایه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیارد روبل کار

خود را آغاز کرده است تا با اموری از جمله تامین مالی و تملک مطالبات این شرکت‌ها، قدرت اقتصادی آنها برای ادامه فعالیت در شرایط تحریم را فراهم کند.

آغاز گفتمان اقتصاد مقاومتی در ایران

رهبر انقلاب طی دیداری که در شهریورماه سال ۱۳۸۹ با جمعی از کارآفرینان داشتند، برای اولین بار کلیدواژه اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند. ایشان در این دیدار فرمودند: «از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده؛ می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریم‌ها. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است.

فعالیت‌های دانشجویان، اساتید و مسئولان در این زمینه:

در پی طرح این موضوع از سوی رهبر معظم انقلاب و همزمان با تشدید تحریم‌های نفتی، بانکی و تجاری غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، جمعی از دانشجویان بسیجی در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری در رشته‌های اقتصاد، مدیریت و سیاستگذاری، با همکاری تعدادی از اساتید و مسئولان خدوم کشور،

رهایی از اقتصاد نفتی/۷۱

همت خود را روی مطالعه پیرامون الگوی بومی اقتصاد جهت ارائه راهکارهایی به منظور مقاوم سازی آن گذاشتند.

نتایج این مطالعات، پژوهش ها و پیگیری ها، در دیداری که رهبر انقلاب در مردادماه سال ۱۳۹۰ با تشکل های دانشجویی داشتند، خدمت ایشان ارائه شد. آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این فعالیت های دانشجویان، این حرکت را مفید و موثر دانستند و دانشجویان را به انجام چنین کارهایی تشویق نمودند: «یکی از دوستان اطلاع دادند که یک ستاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. اینجور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیقها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است.»

برگزاری اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در کشور

عنایت و توجه رهبر معظم انقلاب به این حرکت دانشجویان، باعث شد شور و انگیزه‌ی مضاعفی جهت ادامه فعالیت ها در کار دمیده شود و دانشجویان دانشگاه های مختلف، حول محور اقتصاد مقاومتی تلاش های خود را برای مطالعه، پژوهش و مطالبه در این زمینه بیشتر نمایند. در پی این تلاش ها، این جمع دانشجویی با

۷۲ / رهایی از اقتصاد نفتی

همکاری دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی را در کشور برگزار نمود.

در این همایش آقایان دکتر سعید جلیلی مسئول وقت تیم مذاکره کننده هسته ای، دکتر مسعود درخشان استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر غضنفری وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت و دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام سخنرانی نمودند. همچنین در این همایش، نتایج مطالعات، تحقیقات و پیگیری های گروه های دانشجویی فعال در موضوع اقتصاد مقاومتی، در قالب مقالاتی با موضوعات نظام بانکی، مسکن، صنعت، تجارت، ارز، تولید، نفت و انرژی و ... ارائه گردید.

بازتاب همایش در رسانه های داخلی و خارجی

تقارن این همایش با مذاکرات هسته ای و حضور مسئولان وقت کشور در آن، بازتاب بسیار گسترده ای در رسانه ها داشت؛ به طوریکه تا چند روز تمام رسانه های داخلی و خارجی به پوشش اخبار این همایش و تحلیل آن می پرداختند. همچنین بخشهای مهمی از همایش به صورت زنده از شبکه خبر و پرس تی وی پخش شد. بعد از همایش نیز در بخشهمچنین برخی از خبرگزاری های خارجی از جمله رسانه ی دولتی انگلیس (بی بی سی) نیز به بازتاب و ارائه تحلیل های خود از برگزاری این همایش پرداختند و این اقدام جمهوری اسلامی ایران که همزمان با

رهایی از اقتصاد نفتی/۷۳

مذاکرات هسته ای و تشدید تحریم ها بود را اقدامی هوشمندانه در جهت تقویت اقتصاد برای مقابله با غرب خواندند.

جریان سازی گفتمان اقتصاد مقاومتی در سطح کشور

پس از برگزاری این همایش و بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ی آن و همچنین ارائه گزارشی از همایش خدمت رهبر انقلاب، موجی در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی در کشور به راه افتاد. آیت الله خامنه‌ای نیز در دیدارهایی که پس از این همایش با مسئولان نظام و فعالان اقتصادی و صنعتی و دانشجویان داشتند، ضمن تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی، تلاش برای پیاده‌سازی سیاست‌های مرتبط با آن را به طور جدی از ایشان مطالبه نمودند:

برای مثال ایشان در سوم مردادماه ۱۳۹۱ در دیدار با کارگزاران نظام فرمودند: «ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است ... مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است ... به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله‌ی سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد ... مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم

۷۴ / رهایی از اقتصاد نفتی

دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد. یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؟... کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. همچنین رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان در تاریخ هشتم مردادماه سال ۱۳۹۱ فرمودند: «ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفا کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد ... هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن

رهایی از اقتصاد نفتی/۷۵

عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است.

در دیداری دیگر با دانشجویان به تاریخ شانزدهم مردادماه ۱۳۹۱ ایشان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میدهد و اجازه میدهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید میتواند تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفائی یک کشور باشد.

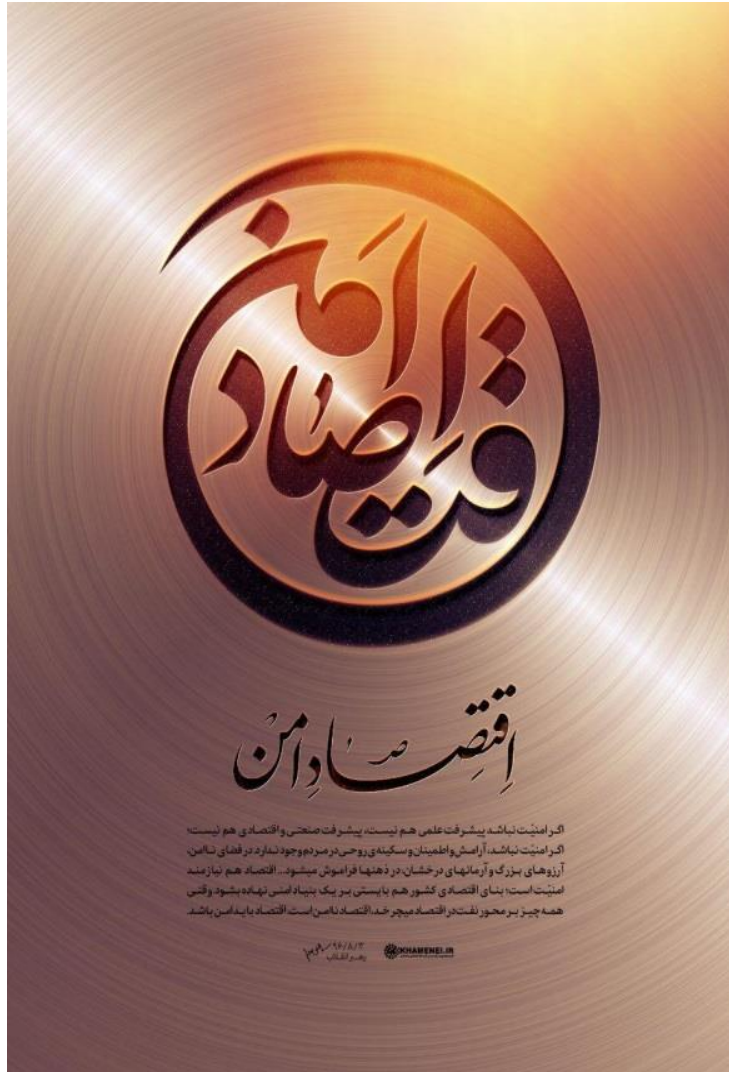
ابلاغ سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی

بعد از گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی در سطح کشور، در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۹۲، رهبر معظم انقلاب سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی را در ۲۴ ماده پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ نمودند.

ایشان در جریان ابلاغ این سیاست ها فرمودند: «ایران اسلامی با استعداد های سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت های گسترده و مهم تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفا آرای کرده، به شکست و عقب نشینی وا می دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درونزا و برون گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. اکنون با مذاقه لازم و

رهایی از اقتصاد نفتی/۷۷

پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد. لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.



رهایی از اقتصاد نفتی/ ۷۹

فصل سوم

سخنان مقام معظم رهبری در راستای اقتصاد مقاومتی



نامگذاری سال ۱۳۹۵ به نام اقدام و عمل

رهبر معظم انقلاب به منظور انجام اقدامات سریع و ریشه ای در کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی و سیاست های کلی آن، به طوری که نتایج آن در عمل دیده شود و مردم آن را حس کنند، سال ۱۳۹۵ را به نام «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامگذاری و از دستگاه ها و مسئولان حرکت گسترده در این زمینه را مطالبه نمودند.

سیاستهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی در جمع صدها نفر از مسئولان دستگاههای مختلف، فعالان اقتصادی و مدیران مراکز «علمی، رسانه ای، نظارتی»، با تبیین «مولفه های سیاستهای اقتصاد مقاومتی، عوامل و انگیزه های تدوین این سیاستها و الزامات و انتظاراتی که در این زمینه از مسئولین وجود دارد» تأکید کردند: «عزم جدی مسئولان»، «تبدیل سیاستها به برنامه های زمان بندی شده اجرایی»، «نظارت دقیق»، «رفع موانع حضور فعالان و مردم در عرصه اقتصادی» و «گفتمان سازی»، این امکان را فراهم می کند که ثمرات شیرین و ملموس این الگوی بومی و علمی، در مدت مناسب در زندگی مردم جلوه گر شود. هدف از برگزاری جلسه ای با چنین ترکیبی از مسئولان نظام را ایجاد زمینه همدلی و هم فکری برای اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شتاب بخشیدن به پیشرفت

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۸۱

کشور و حرکت در مسیر تحقق آرمانهای بلند نظام اسلامی دانستند. ایشان با اشاره به ابلاغ سیاستهای مختلف و متنوع در سالهای قبل، خاطرنشان کردند: هدف از ابلاغ این سیاستها، ارائه نقشه راه در هر بخش بود اما در موضوع سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، هدف از ابلاغ آن، تنها ارائه نقشه راه نیست بلکه ارائه شاخص های لازم و صحیح برای پیمودن راه نیز مد نظر بوده است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: مجموعه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، در واقع الگویی بومی و علمی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و متناسب با وضعیت امروز و فردای کشور است.

وسایستهای اقتصاد مقاومتی، فقط برای شرایط کنونی نیست بلکه یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور و رسیدن به اهداف بلند اقتصادی نظام اسلامی است. وایشان با اشاره به پویایی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی گفتند: این سیاستها قابل تکمیل و انطباق با شرایط گوناگون است و عملاً اقتصاد کشور را به حالت انعطاف پذیری می رساند و شکنندگی اقتصاد در شرایط مختلف را برطرف می کند. و یکی دیگر از ویژگیهای مهم سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، وفاق همه قوا و دستگاههای مختلف درباره آن است زیرا این الگو با تلاش و همفکری افراد صاحب نظر، و بحث و بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام که رؤسای سه قوه و مسئولان مختلف حضور دارند، تدوین شده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای، سیاستهای اقتصاد مقاومتی را مجموعه ای دقیق و مستحکم خواندند و افزودند:

گرایش به اقتصاد مقاومتی فقط مخصوص کشور ایران نیست و در سالهای اخیر با توجه به بحران اقتصادی جهانی، بسیاری از کشورها با توجه به شرایط و ساختارهای درونی خود به دنبال مقاوم سازی اقتصاد هستند. البته نیاز ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است زیرا از یک طرف کشور ما همچون کشورهای دیگر مرتبط با اقتصاد جهانی و مصمم به ادامه این ارتباط است و طبیعتاً از مسائل اقتصادی جهان متأثر خواهد بود و از طرف دیگر نظام اسلامی، به دلیل استقلال خواهی و عزت مداری و تأکید بر تحت تأثیر قرار نگرفتن از سیاستهای قدرتهای جهانی، مورد تهاجم، سوء نیت و اخلال گری است.

سیاستهای اصل ۴۴ برای همین بود، کارهایی هم انجام شد ولی حقش ادا نشد رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: براساس این مبانی و دلایل منطقی، باید پایه های اقتصادی کشور را مستحکم و مقاوم سازی کنیم و نگذاریم حوادث و تکانه های اجتناب ناپذیر و همچنین سوء نیت ها و اخلال گری های قدرتها، اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

جایگاه سیاستهای کلی اقتصاد از دیدگاه دیدگاه مقام معظم رهبری
ایشان بعد از بیان جایگاه و اهمیت سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین دلایل و مبانی عقلانی مقاوم سازی اقتصاد کشور، ویژگیها و مؤلفه های دهگانه

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۸۳

اقتصاد مقاومتی را تبیین کردند. اولین مولفه، ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص های کلان اقتصادی بود.

و با اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی بوجود خواهد آمد. و در خصوص این مولفه یک نکته را متذکر شدند و تأکید کردند: عدالت اجتماعی، مهمترین شاخص، در میان این شاخص ها است زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد. ایشان، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا را دومین ویژگی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی برشمردند و افزودند: تکانه های اقتصادی دنیا، بلایای طبیعی و تکانه های تخصصی همچون تحریم ها از جمله این عوامل تهدید زاست. و سومین مولفه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی را، تکیه بر ظرفیت های داخلی بیان و خاطر نشان کردند: این ظرفیت ها شامل ظرفیت های گسترده علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی است که باید برای اجرای سیاستها، بر آنها تکیه شود. و ایشان به یک نکته مهم هم اشاره کردند و گفتند: تکیه بر ظرفیت های داخلی به معنای چشم بستن بر امکانات کشورهای دیگر نیست بلکه نظام اسلامی در کنار اتکاء به داشته های داخلی، از امکانات دیگر کشورها نیز استفاده حداکثری خواهد کرد.

رویکرد جهادی رهایی از درآمد نفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

ایشان افزودند: اجرای این سیاستها، با حرکت عادی و احياناً خواب آلوده و بدون حساسیت امکان پذیر نیست و نیازمند برنامه ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است. براساس معارف اسلامی و دینی و همچنین براساس تجربیات ۳۵ سال اخیر، در هر عرصه ای که مردم وارد میدان شوند، عنایت و پشتیبانی الهی نیز همراه می شود و کارها به پیش خواهد رفت. ایشان خاطرنشان کردند: تاکنون در عرصه های اقتصادی، کمتر به حضور و امکانات مردم بها داده شده است، در حالیکه باید زمینه استفاده از توان نیروهای بی پایان مردمی اعم از فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان سرمایه و افراد صاحب مهارت فراهم و از آنان حمایت شود و مسئولیت عمده در این خصوص برعهده دولت است و هدف از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴، در چند سال قبل را استفاده از ظرفیت ها و امکانات مردمی در اقتصاد کشور دانستند و گفتند: متأسفانه حق این سیاستها، ادا نشد. در اقتصاد مقاومتی، مسئولان باید به مسئله اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف و ریخت و پاشهای زائد توجه کنند. حضرت آیت الله خامنه ای، تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی بویژه غذا و دارو و خودکفایی در این اقلام را ششمن مؤلفه سیاستهای اقتصاد مقاومتی برشمردند و درخصوص هفتمین مؤلفه افزودند: کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت یکی از ویژگیهای اصلی این سیاستها است و از اصلاح الگوی مصرف به عنوان هشتمین مولفه نام بردند و خاطرنشان کردند: خطاب اصلی من در این موضوع متوجه مسئولان است

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۸۵

که باید در درجه اول در حوزه مأموریتی خود، از اسراف و ریخت و پاش بطور جدی پرهیز و در درجه بعد، این موضوع را در زندگی های شخصی خود رعایت کنند. و با تأکید بر اینکه پایبندی مسئولان به پرهیز از ریخت و پاش، موجب تسری این روحیه به جامعه خواهد شد، افزودند: منظور از اصلاح الگوی مصرف، سخت گیری و زندگی ریاضتی نیست بلکه هدف، مصرف براساس الگویی عاقلانه، مدبرانه، صحیح و اسلامی است. ایشان با اشاره به شبهاتی که برخی افراد درباره اقتصاد مقاومتی مطرح می کنند افزودند: اقتصاد مقاومتی برعکس این شبهات، به رفاه و بهبود زندگی عموم مردم و بویژه طبقات ضعیف منجر خواهد شد. فسادستیزی نهمین مولفه ای بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره و تأکید کردند: لازمه فعالیت سالم و پرتحرک اقتصادی، امنیت است و لازمه امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی و افرادی است که قانون را دور می زنند. حضرت آیت الله خامنه ای شفاف سازی را شرط اصلی مقابله با فساد اقتصادی دانستند و افزودند: باید فضای رقابتی و با ثبات اقتصادی بوجود آید زیرا در چنین فضای سالمی، فعال اقتصادی احساس امنیت خواهد کرد ضمن اینکه در چنین شرایطی، کسب ثروت با ابتکار و پشتکار، مباح و مورد تأیید نظام است. و با اشاره به اعلام آمادگی سه قوه برای مقابله با فساد اقتصادی، تأکید کردند: در این موضوع، گفتن صرف کافی نیست، و همه مسئولان اجرایی، قضایی و قوه مقننه در این خصوص مسئول هستند. دانش محوری، آخرین مولفه ای بود که رهبر انقلاب

اسلامی به آن اشاره کردند و گفتند: امروز شرایط کشور از لحاظ پیشرفتهای علمی به گونه ای است که می توانیم رسیدن به اقتصاد دانش بنیان را با بلندپروازی، جزو اهداف خود قرار دهیم. وایشان اشاره کردن اقتصاد دانش بنیان یکی از مهمترین زیرساخت های اقتصادی هر کشور است و اگر این موضوع مورد توجه جدی قرار گیرد، قطعاً چرخه علم تا ثروت تکمیل خواهد شد.

و فرمودند اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه سیاستی مقطعی نیست بلکه تدبیری راهبردی است که برای همه دورانها - چه تحریم باشد و چه نباشد مفید و راهگشا و پیش برنده است. و در تشریح علل و انگیزه تدوین و ابلاغ سیاستهای مقاومت اقتصادی به بیان چهار عامل اصلی پرداختند: ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور، حل مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی، مقابله با تحریم ها و کاهش کامل تأثیرپذیری اقتصاد کشور از بحرانهای اقتصاد جهانی. ایشان درخصوص نکته اول افزودند: ظرفیتهای عالی انسانی، سرمایه های «معدنی، طبیعی و صنعتی» و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور انگیزه ای قوی برای طراحی الگوی پیشتاز اقتصادی یعنی اقتصاد مقاومتی بوده است. حضرت آیت الله خامنه ای در تشریح دومین انگیزه ابلاغ سیاستهای مقاومت اقتصادی به ضرورت حل مشکلات موجود تکیه کردند. ایشان افزودند: مشکلات مزمن و دیرپایی همچون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، واردات بی رویه، معیوب بودن برخی ساختارها، پایین بودن بهره وری و الگوی ناصحیح مصرف، جز با یک حرکت برنامه ریزی شده برای مقاوم

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۸۷

سازی اقتصاد برطرف نمی شود. رهبر انقلاب، مقابله با جنگ تمام عیار اقتصادی دشمنان را از دیگر عوامل تدوین سیاستهای اقتصاد مقاومتی بیان کردند و افزودند: تحریم ها قبل از موضوع انرژی هسته ای نیز وجود داشته و اگر مذاکرات هم ان شاء الله به نقطه حل برسد وجود خواهد داشت چرا که هسته ای و حقوق بشر و مسائل دیگر بهانه ای بیش نیست و زورگویان جهانی از استقلال طلبی و الگو شدن ملت ایران در هراسند. و برای علاج قطعی فشارهای اقتصادی دشمنان، باید به گونه ای اقتصاد خود را قوی و مستحکم کنیم که آنها از تأثیرگذاری فشارهای خود مأیوس شوند که این هدف با اجرای سیاستهای ابلاغ شده محقق خواهد شد. و چهارمین عامل تدوین سیاستهای مقاوم سازی اقتصاد کشور را ضرورت کاهش تأثیرپذیری از بحرانهای جهانی خواندند و گفتند: این عوامل چهارگانه باعث شد طراحی مدل اقتصاد مقاومتی در دستور کار نظام قرار گیرد. ایشان عزم راسخ و جدی مسئولان سه قوه و بویژه قوه مجریه را عاملی بسیار مهم برای مقاوم سازی اقتصاد خواندند و افزودند: صرف مطرح شدن سیاستهای اقتصاد مقاومتی، مشکلی را حل نمی کند بلکه عزم و تلاش مسئولان همه بخشهای مرتبط با این سیاستها، زمینه ساز تحقق اهداف اعلام شده خواهد بود. اقتصاد مقاومتی، ریاضت نیست بلکه اگر این سیاستها اعمال شود موجب آسایش و رفاه خواهد شد رهبر انقلاب، ورود به میدان عمل را دومین انتظار خود از مسئولان برشمردند و خاطر نشان کردند:

این طرح و سیاستهای کلی باید به برنامه های گوناگون اجرایی تبدیل شود تا حماسه اقتصادی، واقعاً بوجود آید.

تاکید مقام معظم رهبری به سران سه قوه جهت هماهنگی دستگاهها

اقدام سران سه قوه در تهیه ساز و کار هماهنگی دستگاهها و نیز نظارت در همه سطوح، چهارمین و پنجمین ضرورتی بود که رهبر انقلاب بر آنها تأکید کردند. ایشان افزودند: مجمع تشخیص مصلحت نیز موظف است به مسئولیت نظارتی که به آن محول شده بطور کامل عمل کند برطرف کردن موانع «قانونی، اجرایی، حقوقی و قضایی» از سر راه اجرای سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ششمین وظیفه ای بود که رهبر انقلاب متوجه سران قوا دانستند. و باید موانع مزاحم برداشته شود تا فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران و دانشمندان، با آرامش به این میدان روی آورند و احساس کنند با موانع غیرمعقول روبرو نیستند. رهبر انقلاب، گفتمان سازی و ارائه تصویری درست از اقتصاد مقاومتی را وظیفه صدا و سیما، رسانه ها، مسئولان، دلسوزان و صاحبان فکر و اندیشه خواندند و خاطرنشان کردند: دستگاههای تبلیغاتی مخالف پیشرفت ایران، تلاش می کنند با ایجاد شبهه و اشکال تراشی، سیاستهای ابلاغ شده را بی اهمیت جلوه دهند اما اگر تصویر درستی از این حرکت بزرگ و پیشتانزانه ارائه شود و گفتمان سازی صورت گیرد، مردم به آن معتقد می شوند و از مسئولان مطالبه می کنند که در این صورت کارها به پیش خواهد رفت. رهبر انقلاب اسلامی در بیان آخرین انتظار خود از

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۸۹

مسئولان موضوع پایش و اطلاع رسانی دقیق را مطرح کردند. ایشان افزودند: باید مرکزی قوی و بینا برای رصد و پایش دقیق فعالیتها وجود داشته باشد. گردآوری و پردازش اطلاعات، استنتاج، تعیین شاخص برای هر بخش و اطلاع رسانی به مردم از جمله وظایفی بود که ایشان برای این مرکز برشمردند. رهبر انقلاب سخنانشان را با این جملات به پایان بردند: انشاءالله کار بزرگی که شروع شده است با توکل به خدا و شتاب مناسب پیش می رود و مردم ثمرات شیرین آن را در همین دولت خواهند چشید. در این دیدار علاوه بر وزیران و مسئولان دستگاههای مختلف اجرایی، شماری از مسئولان مجلس و قوه قضاییه، فعالان اقتصادی، مجامع صنفی، مدیران مراکز گوناگون «اقتصادی نظارتی و علمی»، استانداران، نمایندگان ولی فقیه در استانها، مدیران حوزه های علمیه، مسئولان و مدیران رسانه ملی و برخی رسانه ها، فرماندهان نظامی و انتظامی و مدیران شهری حضور داشتند. اقتصاد مقاومتی» در طی چهار سال گذشته به عنوان شاهبیت کلام رهبری در اکثر دیدارهای ایشان با مسوولان نظام و اقشار مختلف مردم مورد تاکید قرار گرفته و به عنوان راهکار نجات اقتصاد کشور از سوی ایشان تبیین شده است. خبرگزاری ایسنا با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۵ به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» مروری بر بیانات گذشته حضرت آیتالله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی داشته و بخش‌هایی از آنچه ایشان در مقاطع مختلف درباره اقتصاد مقاومتی مطرح کرده‌اند را به شرح زیر یادآور شده است. اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید.

۹۰/ رهایی از اقتصاد نفتی

خب، رئیس جمهور محترم گفتند، مسئولین دیگر هم کم‌وبیش اظهار کرده‌اند، گفته‌اند، منتها باید عمل کرد: وَ لَا مِمَّنْ عَلٰی غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ؛ این جور نباشد که به زبان بگوییم، در عمل کُند حرکت بکنیم. در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیه‌ی درونی اقتصاد است. رونق اقتصادی هم این است؛ رونق اقتصادی با تولید حاصل میشود، با فعال کردن ظرفیتهای درونی کشور حاصل میشود، نه با چیز دیگر. توصیه‌ی مهم در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی، یکی توصیه‌ی به بانکها است: بانکها باید نقش ایفا کنند، باید خودشان را تطبیق بدهند با مواد سیاستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و میتوانند نقش ایفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفی هم میتوانند. توصیه‌ی مؤکد به بخش صنعت و معدن: تحرکشان را باید افزایش بدهند. بار اصلی بیرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت و معدن است؛ باید تلاش کنند، تلاش را باید مضاعف کنند، ظرفیتهای را شناسایی کنند؛ ظرفیتهای زیادی در کشور هست، این ظرفیتهای را فعال کنند. در مورد بخش کشاورزی؛ کشاورزی اهمیت حیاتی دارد. لازم است نگاه دولت و سیاستهای دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمایت باشد؛ همه‌جای دنیا هم همین جور است؛ از بخش کشاورزی به‌وسیله‌ی دولتها حمایت میشود. آن وقت باید مشکلات موجود در بخش کشاورزی برطرف بشود؛ مشکلات کشاورزان، مشکلات دامداران - که گاهی شکایتهایی هم به ما میشود - و انسان رنج میبرد از بعضی از مشکلاتی که برای اینها وجود دارد. یک

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۹۱

آرمان دیگر، اقتصاد مقاومتی است؛ که نسبت به آرمان قبلی که گفتیم، یک آرمان خُرد است. با اینکه خود اقتصاد مقاومتی چیز مهمی است، اما در واقع در ذیل آن آرمان قبلی تعریف میشود. سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پر رونق، علم پیشرو، اینها هم‌ه‌اش جزو آرمانها است. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه‌ی سیاسی سلطه در عالم، اینها هم‌ه‌اش جزو آرمانها است. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمانها است. بنابراین وقتی می‌گوئیم آرمان، ذهن ما به یک امر غیر قابل تعریف دور از دسترسی نرود؛ آرمان یعنی اینها، اینها همه آرمانهایند؛ البته در درجات مختلف. مجموعه‌ی این خواسته‌ها و هدفها، منظومه‌ی آرمانی اسلام را تشکیل می‌دهد. شما برای هر کدام از اینها که تلاش کنید، تلاش برای آرمانها کرده‌اید. آن مجموعه‌ای که فرض کنیم در راه اقتصاد مقاومتی کار میکند، یا آن مجموعه‌ای که در زمینه‌ی گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام تلاش می‌کند، اینها همه دارند کار آرمانی می‌کنند. آن کسی که همین تلاش را در زمینه‌ی سیاسی و دیپلماسی دارد انجام میدهد، کارش آرمانی است. آن کسی که فرضاً در زمینه‌ی سلامت تلاش می‌کند، دارد کاری برای آرمانها انجام می‌دهد. آرمانها اینها هستند؛ مجموعه‌ی رتبه‌های مختلف برای آرمانها، و همه لازم.

تاثیر بخش خصوصی در پیاده سازی اقتصاد مقاومتی

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاستهای اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفاسد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۹۳

این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا میشوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خب، آمارهائی که آقایان میدهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولین به ما می‌گویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارشهای گوناگونی به ما می‌رسد، خود شما هم گزارش می‌دهید؛ یعنی من گزارشهای دیگر هم دارم، اما اتکاء من به گزارشهای دیگران نیست؛ گزارشهای خود شما هم هست که به دست ما میرسد - خب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال

میکند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه‌ی خالی لیوان - نمی‌بود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه میکردید و کمکه‌های بیشتری به مردم میشد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعیتشان اینجور است - لذا همان طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده‌ی اینجوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد. مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است؛ که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود. یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۹۵

اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمانِ علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارش‌های شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جوئی است و می‌خواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید. صرفه‌جوئی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند. یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکتهای

دانش‌بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خوب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. البته آنها گلایه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا میکند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازند و گلایه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه‌ی بسیار خوبی است. ما استعداد‌های برجسته‌ای داریم که می‌توانند در این مورد کمک کنند.

نقش کارآفرینی در اقتصاد از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب افزودند: ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز، در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد. ایشان با اشاره به اهمیت کار و کارآفرینی از دیدگاه اسلام، ایجاد اشتغال را علاوه بر جنبه مهم ثروت آفرینی، نوعی زمینه‌سازی برای به کارگیری گنجینه‌های استعدادهای انسانی دانستند و افزودند: ایران، امروز به کارگاه بزرگ تلاش و ابتکار و نوآوری تبدیل شده اما این واقعیت، تنها گام اول از روند پیشرفت و سرفرازی کشور است. و با تأکید به نیاز اساسی کشور به کار و کارآفرینی خاطر نشان کردند: دو دلیل اساسی یعنی «آمادگی کشور برای جهش» و «فشار اقتصادی دشمنان»، ثابت می‌کند که ایران، بیش از هر دوره دیگر به کار و

رهایی از اقتصاد نفتی/ ۹۷

کارآفرینی احتیاج دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین آمادگی کشور برای حرکت جهشی، به فراهم شدن زیرساخت های مختلف - پیشرفت های چشمگیر علمی فناوری و بوجود آمدن مدیریتهای قوی و سالم در پرتو ۳۰ سال تجربه مدیریتی اشاره کردند و افزودند: در پرتو شناخت ملت از توانایی های خود و جوانانش، فصل توانایی و جهش کشور فرا رسیده است و طبعاً در این فصل، کار و کارآفرینی اهمیتی به مراتب فراوان تر دارد. ایشان، با اشاره به تحریم ها و فشار اقتصادی نظام سلطه افزودند: برای مقابله با این فشارها باید «اقتصاد مقاومتی واقعی» بوجود آوریم که معنای واقعی کارآفرینی نیز همین است.

وهدف نهایی سلطه گران از تحریم ایران را بازگشت سلطه اهریمنی قبل از انقلاب دانستند و خاطرنشان کردند: دشمنان ملت تلاش می کنند مردم را با فشارهای اقتصادی به ستوه بیاورند تا مردم این فشارها را ناشی از عملکرد دولت بدانند و رابطه دولت و ملت قطع شود، اما آنها، همچون ۳۰ سال گذشته این ملت را نشناخته اند و در محاسباتشان، کاملاً اشتباه کرده اند. ملت و مسئولان، بدون تردید این تحریم ها را نیز دور می زنند و همچون سه دهه گذشته تحریم ها را ناکام می گذارند و به کار و پیشرفت بالندگی ادامه می دهند.

رهبر انقلاب اسلامی، به موازات موظف دانستن دولت به «مدیریت منابع مالی و بهبود فضای کسب و کار»، کارآفرینان را نیز به تلاش مستمر و همه جانبه برای مرغوبیت بخش و افزایش کیفیت کالاهای ساخت داخل فراخواندند و افزودند:

۹۸ / رهایی از اقتصاد نفتی

مردم می دانند که مصرف هرکالای خارجی یعنی بیکاری یک کارگر ایرانی، اما کارآفرینان هم بدانند که رغبت مردم به مصرف کالاهای داخلی با شعار تحقق نمی یابد ، بلکه نیازمند افزایش کیفیت این کالاهاست.

و واردات بی رویه و بی منطق را «ضرر و خطری بزرگ» خواندند و افزودند: مسئولان ذیربط باید با توجه به اهداف و نیازهای واقعی کشور، واردات را مدیریت کنند. وایشان توسعه مهارتهای فنی را از طریق توجه به «هنرستانهای فنی - صنعتی، دانشگاههای علمی - کاربردی و آموزشکده های فنی - حرفه ای» ضروری برشمردند و افزودند: کشور به موازات نیاز به علم، به پنجه های کارآمد هم نیاز دارد. و کارآفرینان را به استمرار نوآوری و ابتکار در تولیدات داخلی توصیه و خاطر نشان کردند: در تولید کالاها به اشباع حس زیبایی طلبی مصرف کننده توجه کافی کنید.

منابع و ماخذ:

- ۱- کتاب اقتصاد بخش عمومی نوشته ژوزف ای. استیگلیتز ترجمه دکتر محمدمهدی عسکری از نشر سمت کد کتاب: ۱۵۸۳
- ۲- اقتصاد مقاومتی؛ فرصت‌ها و تهدیدها؛ نشر سمیع ، زهرا رضانژاد؛ «، ۱۳۹۵.
- ۳- پیشگامان اقتصاد مقاومتی، خلیل آقایی و محمدعلی نجفی؛ نشر اقتصاد ، ۱۳۹۶.
- ۴- کتاب اقتصاد کلان: نشر نگاه دانش نوشته محسن نظری ، ۱۳۹۴
- ۵- سرمایه داری کشورهای پیشرفته نوشته رونالد کوز، نینگ وانگ ترجمه: سیدپیمان اسدی ، نشر سمیع ، ۱۳۹۲
- ۶- اقتصاد چیست؟ محمد مهدی بهکیش، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۷- کلیات علم اقتصاد اثر گریگوری منکیو نشر نی ترجمه دکتر حمید رضا ارباب ۱۳۹۰
- ۸- کتاب تئوری و مسائل اقتصاد کلان اثر یوجین دیولویو نشر نی ، دکتر حمید رضا ارباب ۱۳۸۸
- ۹- کتاب تئوری و مسائل اقتصاد کلان ، اثر یوجین دیولویو ، ترجمه دکتر حمید رضا ارباب ، ۱۳۹۴
- ۱۰- مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران اثر ، نشر نی ، حسین عظیمی ، ۱۳۷۰
- ۱۱- اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن ، نشر نی ، اثر محمدمهدی بهکیش ، ۱۳۹۳
- ۱۲- اقتصاد مقاومتی ، نشر امیر کبیر ، اثر عباسعلی اختری ، ۱۳۹۱

۱. Munim, Ziaul Haque; Schramm, Hans-Joachim (۲۰۱۸). "The impacts of port infrastructure and logistics performance on economic growth: the mediating role of seaborne trade". *Journal of Shipping and Trade*. ۳ (۱): ۱–
۲. James, Paul; with Magee, Liam; Scerri, Andy; Steger, Manfred B. (۲۰۱۵). *Urban Sustainability in Theory and Practice: Circles of Sustainability*. London: Routledge. p. ۵۳.
۳. http://www.unep.org/greeneconomy/Portals/88/documents/ger/ger_fi_nal_dec_۲۰۱۱/۱.۰-Introduction.pdf
۴. "Meanwhile, in the Real Economy", *Wall Street Journal*, July ۲۳, ۲۰۰۹
۵. "Bank Regulation Should Serve Real Economy", *Wall Street Journal*, October ۲۴, ۲۰۱۱
۶. "Perry and Romney Trade Swipes Over 'Real Economy'", *Wall Street Journal*, August ۱۵, ۲۰۱۱
۷. "Real Economy" definition in the *Financial Times* Lexicon
۸. "Real economy" definition in the Economic Glossary
۹. • Deardorff's Glossary of International Economics, search for real.
 - R. O'Donnell (۱۹۸۷). "real and nominal quantities," *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, v. ۴, pp. ۹۷-۹۸.
۱۰. Dictionary.com, "economy." The American Heritage Dictionary of the English Language, Fourth Edition. Houghton Mifflin Company, ۲۰۰۴. October ۲۴, ۲۰۰۹.
۱۱. Charles F. Horne, Ph.D. (۱۹۱۵). "The Code of Hammurabi: Introduction". Yale University. Retrieved September ۱۴, ۲۰۰۷.
۱۲. François Quesnay. *An Encyclopedia of the Early Modern World*- preview entry: *Physiocrats & physiocracy*. Charles Scribner & Sons. Retrieved February ۲۴, ۲۰۱۴.
۱۳. Goldstein, Jacob (۲۸ February ۲۰۱۴). "The Invention Of 'The Economy'". NPR - Planet Money. Retrieved ۶ April ۲۰۱۷.